

با المپادیاها و نفرات برتر کنکور سراسری

اشاره:

دیدگاهها و نگاه المپادیاها و نفرات برتر کنکور سراسری ۱۳۸۰ در زمان موفقیت قابل عنایت است. از آنجا که این افراد در نهایت یک دوره تحصیلی «ثبات» یا «عدم ثبات» دیدگاههایشان مشخص می‌گردد، ضمن ارجگذاری به موفقیت آنها عیناً آنچه با مطبوعات در میان گذاشته‌اند را جهت خوانندگان عزیز مجله یک جاگرد آورده‌ایم.
«سمپاد»



کاری را که شایسته ایران و فرهنگ اسلامی بود انجام دادم*

خبر پیروزی دانش‌آموزان کشورمان درسی و دومین المپاد جهانی فیزیک مسرت بخش بود و افتخارآمیز. هر ایرانی از شنیدن خبر سربلندی نام ایران در میان ۶۷ کشور مدعی جهان احساس غروری مقدس کرد و این موفقیت تیم ۵ نفره کشورمان را موفقیت خویش دانست. اما در لابلای انعکاس اخبار این موفقیت بزرگ، خبر اقدام مثبت و ارزشی آقای حامد علیخانی

* گفتگو با حامد علیخانی، عضو تیم ملی المپاد فیزیک از مرکز شهید بهشتی شهری (سمپاد)؛ رسالت، ۲۶ تیرماه

دارنده مدال نقره و یکی از اعضای تیم المپیاد کشورمان در جریان مراسم اعطای مدالها از شور و شعفی مضاعف برخوردار بود. این خبر حاکی از این بود که حامد علیخانی عضو تیم المپیاد فیزیک کشورمان در جریان مراسم اعطای مدال از دست دادن با زن نامحرم خودداری نموده است.

به دنبال انعکاس این خبر، با موج تقدیر عمومی از این اقدام متعهدانه آقای علیخانی روبرو شدیم که مصرانه از ما می‌خواستند در گفتگویی با این جوان غیرتمند از انگیزه و احساس خویش در حین این اقدام مثبت او بپرسیم. به همین مناسبت طی گفتگویی اختصاصی با وی از جزئیات این تصمیم و اقدام او پرسیدیم و در کنار آن برخی از پرسشهای دیگر در خصوص المپیاد فیزیک را با وی در میان گذاشتیم. آقای حامد علیخانی دانش‌آموز دبیرستان شهیدبهبشتی شهری (استعدادهای درخشان) می‌باشد. پدرش لیسانس شیمی دارد و تحصیلات مادرش در سطح دیپلم متوسطه است.

وی در تشریح اقدام خود در جریان مراسم اعطای مدال به خبرنگار ما گفت: مدال سایر اعضای تیم را پروفیسورهای مرد اعطا کردند اما قرار بر این شده بود که یک زن مدال را بدهد. قبل از اعطای مدال هم به زبان انگلیسی به خانم مزبور که قرار بود مدالم را بدهد گفته بودم که موقع اعطای مدال برای دست دادن به سویم دست دراز نکنند چون بر مبنای اعتقادات دینی‌ام با او دست نخواهم داد. لذا است که او هم رعایت کرد و من از این اقدام خود خوشحال بوده و از این که توانستم پیام اسلام را در حد وسع خود ابلاغ نمایم شادمانم.

خبرنگار ما از وی پیرامون انگیزه‌های این اقدام ارزشی‌اش پرسید آقای علیخانی چنین پاسخ داد: «روز شنبه برای آزمون نمایندگان رژیم اسرائیل تعیین شده بود. اما دیدیم که آنها به جهت شرکت در مراسم مذهبی روز شنبه خود در جلسه امتحان حاضر نشدند. این اقدام آنها این پیام را برای ما داشت که حال که نمایندگان رژیم غاصب اسرائیل این گونه بر سر اعتقادات خود اینقدر پایبندی نشان می‌دهند چرا ما عقاید خود را کتمان سازیم لذا پیش خود گفتم من یک ایرانی مسلمان هستم و باید در این صحنه کاری که شایسته ایمان، فرهنگ و غیرت ایران اسلامی باشد انجام دهم و بدین ترتیب از دست دادن با یک نامحرم پرهیز نمودم.

در ادامه این گفتگو از آقای علیخانی در خصوص سطح اطلاعات و توانایی علمی دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با نمایندگان سایر کشورها در زمینه فیزیک پرسیدم گفت:

«دانش آموزان ایران نه فقط در عرصه المپیاد بلکه در بسیاری عرصه‌های دیگر دارای نبوغ و استعداد خاص هستند و در یک تعبیر مختصر می‌گویم دانش آموزان ایرانی فوق العاده باهوش هستند.»

از وی پرسیدم علاقه عمده‌اش به چه بخشی از فیزیک است گفت: دوست دارم در زمینه ذرات بنیادی کارکنم. ذرات بنیادی بخشی مهم از فیزیک می‌باشد که به تحلیل ساختار مواد می‌پردازد.

وی درباره امکانات علمی موجود در باشگاه دانش پژوهان محل آموزش شرکت کنندگان در المپیادهای جهانی گفت: «امکانات خوبی در این باشگاه وجود دارد اما متأسفانه این امکانات برای همه نیست و همین امر عامل بسیاری از عدم توفیقهایی است که می‌بینیم.»

وی با انتقاد از وضعیت تدریس درس فیزیک در سطح دبیرستانهای کشور گفت: مدرسه‌ای که من تحصیل می‌کردم مدرسه تیزهوشان است و امکانات در آن بالنسبه خوب است اما در سایر مدارس وضعیت تدریس فیزیک مطلوب نیست. دبیران از تسلط کافی به مباحث درس برخوردار نیستند و امکانات آزمایشگاهی نیز کم است و شلوغ بودن کلاسها و پرجمعیت بودن آنها نیز مزید بر علت شده تا سطح کیفیت تدریس و تحصیل درس فیزیک در دبیرستانهای کشور پایین بیاید. از آقای حامد علیخانی می‌پرسم به نظر شما دلایل وقوع برخی انحرافات رفتاری در بخشی از جامعه جوانان و نوجوانان کشور ما چیست می‌گوید: «به نظرم جوانان هنوز توجه ایدئولوژیک نشده و دلایلی که درباره وظایف آنها به ایشان گفته می‌شود بیشتر احساس است و نه استدلالی لذا همین نکته باعث عدم پایداری و تاثیرگذاری پیامهای صادر شده در ذهن و رفتار جوانان شده موجبات بروز این انحرافات رفتاری را فراهم می‌آورد.»

وی درباره مهمترین وظیفه جوانان، مسوولین و مردم در شرایط کنونی به خبرنگار ما گفت: مهمترین وظیفه از مسوولین و مردم این است که به تکلیفی که بر عهده آنها گذاشته شده است عمل کنند این تکالیف برای همه یکسان نیست لذا انتظارات نیز از آنها در یک سطح قرار ندارد. به نظرم اگر همه ما به تکلیفی که بر دوش ما قرار داده شده است عمل کنیم خواهیم توانست کشوری آباد، آزاد و مستقل بوجود آوریم.

عدم آمادگی علمی، باعث نتیجه ضعیف دانش آموزان ایرانی در المپیاد جهانی ریاضی شد*

سرپرست اول تیم دانش آموزی المپیاد ریاضی ایران، دیروز در گزارشی، دلیل افت تیم ایران را اعلام کرد. دکتر یحیی تابش استاد دانشگاه صنعتی شریف، در این گزارش، عمده ترین دلایل این امر را «مطابقت نداشتن مساله های طرح شده در المپیاد جهانی با سبک، سلیقه ها و زمینه های آمادگی دانش آموزان ایرانی» و عدم آمادگی اعضای تیم ایران در حل مساله ها برشمرد. تیم دانش آموزی المپیاد ریاضی ایران در چهل و دومین المپیاد جهانی ریاضی که ۱۰ تا ۱۹ تیر ماه ۸۰ در واشنگتن برگزار شد، با دستیابی به دو مدال نقره و چهار برنز، در رده هفدهم جهان قرار گرفت. در این رقابت علمی بین المللی ۸۳ کشور حضور داشتند که به ترتیب تیم های چین، روسیه، آمریکا، بلغارستان و قزاقستان مقام های یکم تا پنجم را کسب کردند. سرپرست اول تیم المپیاد دانش آموزی ریاضی ایران، گفت: در مراحل تصحیح اوراق، برگزار کنندگان دقت و برنامه ریزی بسیار منظمی داشتند و تصحیح اوراق با استاندارد بالایی انجام شد، هر چند که ما نتیجه مطلوبی نگرفتیم، ولی کشورهای پیشتاز دیگری مثل رومانی و مجارستان نیز، نتایج مشابه و یا حتی بدتر از تیم ایران را کسب کردند که خود حاکی از متفاوت بودن نتیجه ها بود.

تابش، درباره نحوه پاسخگویی به مساله ها توسط ۶ دانش آموز ایرانی تصریح کرد: مساله اول این مسابقات، یک مساله هندسه ساده (ولی تا حدودی متفاوت) بود و انتظار می رفت از این مساله نمره کامل کسب کنیم، ولی سه تا از بچه ها بیش از نصف امتیاز این مساله را از دست دادند. وی افزود: مساله دوم، یک نامساوی بود که در بدو امر چندان سر راست به نظر نمی رسید و باز هم انتظار می رفت بیشتر شرکت کنندگان ایرانی آن را از راه خوبی حل کنند، ولی فقط یک نفر راه حل خوبی ارائه کرده بود و نمره کامل گرفت، یک نفر دیگر با تلاش زیاد از راه پیچیده ای مساله را به راه حل کامل نزدیک کرد، ولی قدری بی دقتی وی باعث شد که یک امتیاز را از دست بدهد و یکی دیگر از اعضا نیز شروع بسیار تیزهوشانه ای کرده بود،

اما بی دقتی وی موجب از دست دادن امتیاز زیادی شده بود و در نهایت سایر بچه‌ها نیز راه حل خوبی ارایه نکرده بودند. تابش اظهار داشت: مساله سوم نیز مساله بسیار دشواری بود که تنها یک نفر توانست به آن پاسخ دهد و مساله چهارم هم مساله بسیار سراسستی بود که واقعاً راه حل را همراه خود داشت، ولی متاسفانه فقط نیمی از اعضا به آن پاسخ دادند.

تابش ادامه داد: مساله پنجم، یک مساله هندسه مشکل بود، هر چند طبیعت متفاوتی داشت، فقط یکی از شرکت کنندگان ایرانی حل کامل و خوبی ارایه کرده بود و مساله ششم نیز، مساله دشوار و متفاوتی بود که بچه‌های ما از این مساله هیچ امتیازی کسب نکردند. به گفته وی، نتایج بدست آمده در المپیاد چهل و دوم جهانی، لزوم بازنگری در تمامی مراحل فعالیت المپیاد ریاضی در کشورمان، اعم از نحوه برگزاری و انتخاب تیم، برنامه آموزشی و غیره را ضروری می‌سازد. سرپرست اول تیم المپیاد دانش آموزی ریاضی ایران پیشنهاد کرد که با تجدید نظر در برنامه آموزشی، در زمینه حضور و غیاب در کلاسها و انجام تکالیف، جدی‌تر عمل شود و دانش آموزان المپیادی از حداقل در تمامی زمینه‌ها برخوردار شوند و تخصص‌گرایی پیشه نکنند. تشکیل کمیته ملی المپیاد ریاضی برای نظارت بر تمامی فعالیتها، کمیته اجرایی و برنامه‌ریزی و پنج کمیته تخصصی «ترکیبات»، «هندسه»، «نظریه اعداد»، «جبر و آنالیز» و «مسائل متفرقه» و همچنین تعیین مسئول گروه ریاضی در باشگاه دانش پژوهان جوان، از دیگر پیشنهادهای این استاد دانشگاه است.

فوتبال را دوست دارم، اما فیزیک را بیشتر *

سی و دومین المپیاد بین المللی دانش آموزی فیزیک با حضور ۷۰ کشور در ترکیه برپا شد. گروه پنج نفره کشور ما در این مسابقه علمی با کسب یک مدال طلا، سه مدال نقره و یک برنز بعد از کشورهای چین، روسیه، امریکا و هند موفق به کسب مقام پنجمی دنیا شد. علی فراهانچی برنده مدال طلای این المپیاد متولد سال ۱۳۶۲ و فارغ‌التحصیل یکی از مراکز

* گفتگو با علی فراهانچی، برنده مدال طلای المپیاد فیزیک از علامه حلی تهران (سمپاد)؛ جام جم، ۳۰ تیرماه ۱۳۸۰

استعدادهای درخشان است و یک خواهر کوچکتر از خود دارد. پدرش که مهندس ساختمان موفقی بوده، پنج سال قبل در یک تصادف فوت کرده و مادرش کارشناس شنوایی سنجی مرکز باغچه بان است. علی، سرزنده و شاداب است و تیزهوشی را می‌شود در نوع انتخاب کلماتی که حتی به شوخی ادا می‌کند، مشاهده کرد. مثل اغلب پسرهای عاشق توپ گرد و زمین دراز است به قول خودش یک پسر معمولی است مثل همه جوان‌های هجده ساله دیگر با این حال حرف هایش شنیدنی است.

○ علی آقا! چه قدر زحمت کشیدی تا چنین موفقیتی را کسب کردی؟

● من از وقتی پایم به مدرسه «علامه حلی» رسیدم به کسب بهترین نتیجه در چنین المپیادی فکر می‌کردم و همواره برای رسیدن به آن هدف تلاش کرده‌ام.

○ به طور معمول روزی چه قدر درس می‌خوانی؟

● درس خواندن من زمان مشخصی ندارد، به غیر از اوقات مدرسه روزی دو، سه ساعت هم پیوسته روی فیزیک کار کرده‌ام.

○ به نظر اغلب دانش آموزان، درک فیزیک سخت است تو فیزیک را برای آنها تعریف کن.

● این علم آن قدر گسترده است که من دقیقاً می‌توانم ادعا کنم از فیزیک چیزی نمی‌دانم. ولی به این تعریف رسیده‌ام که این علم به توضیح روابط و قوانینی که بین اجزای جهان حاکم است، می‌پردازد.

○ پرداختن به هر موضوعی باید دربردارنده نوعی لذت باشد، فیزیک برای تو چه لذتی دارد؟

● جالب‌ترین موضوع در فیزیک برای من این است که تمام اجزایی که در طبیعت متمایز و متفاوت از هم به نظر می‌رسد، تحت نظم واحد و حاکمی اداره می‌شوند.

○ به جز فیزیک، تفریح و سرگرمی دیگری هم داری؟

● بابا! من هم مثل بقیه بچه‌ها هستم. کامپیوتر بازی می‌کنم و عاشق فوتبال هستم. مثل دانش آموزهای دیگر هم تو سروکله دوستانم می‌زنم و خلاصه هر نوع تفریح و سرگرمی که بقیه دارند، من هم به نوعی دارم.

○ تفریح خیلی از جوان‌ها رفتن به پارک و سینماست. تو به این جاها هم می‌روی؟

● والله من هم آدم هستم و درست مثل بقیه جوان‌ها به پارک و سینما هم می‌روم.

○ اهل مطالعه کتاب‌های غیر درسی هستی؟

- از خواندن کتاب‌های تاریخی لذت می‌برم.
- آخرین کتابی که خواندی چه بود؟
- کتابی در باره جنگ جهانی اول که اسمش یادم نیست.
- از مجموعه هنرها به کدام یک علاقمندی؟
- موسیقی، مدتی هم سه‌تار می‌زدم که به دلیل شرکت در المپیاد به ناچار آن را کنار گذاشتم.
- برگردیم سر اصل موضوع یعنی پیروزی در المپیاد وقتی خبر طلایی شدن خود را شنیدی چه احساسی داشتی؟
- دلم نمی‌خواهد شعار بدهم ولی باور کنید که بیشتر از همه به این خاطر خوشحال شدم که بین آن همه کشور بالاخره ما هم به نوعی ایران را مطرح کردیم.
- می‌دانی تا کنون ۹۲/۵ درصد از برگزیدگان المپیادهای مختلف از کشور رفته‌اند. اگر به تو هم پیشنهادی برای ترک ایران بدهند، حاضری بپذیری؟
- بستگی به شرایط دارد. برای ادامه تحصیل تا چین هم باید رفت ولی سعی می‌کنم که برگردم و خدمتی که می‌توانم را به مردم کشورم ارائه بدهم.
- شنیده‌ام که رابطه عاطفی عمیقی با پدرت داشته‌ای، با ضایعه فوت او چگونه کنار آمدی که شیرازه زندگی‌ات از هم نیاشید؟
- آن اتفاق برای ما یک امتحان الهی بود. ولی ادامه روند زندگی من در این مسیر، مربوط به شیوه تربیتی والدینم از ابتدای تولد تا کنون بوده است. این روند پس از فوت ایشان متوقف نشد و به هر حال ریشه‌های تربیتی همیشه با من بوده و هست.
- بزرگترین آرزوی یک نابغه فیزیک چیست؟
- من خودم را نابغه نمی‌دانم ولی آرزویم این است که آن قدر در فیزیک پیشرفت کنم که حرف نویی برای گفتن داشته باشم.
- چه کسانی را در کسب این موفقیت موثر می‌دانی؟
- به طور کلی همه عوامل مدرسه، هم دوره راهنمایی و هم دوره دبیرستان. همچنین زحمات باشگاه دانش پژوهان جوان، اعضای خانواده و یکی از معلم‌هایم به اسم آقای مجید محسنی، افراد موثری بودند که من همواره سپاسگزار آنها هستم.

زکات سرمایه‌های ملی را خواهیم پرداخت*

همراه با یکی دیگر از افتخار آفرینان عرصه المپیاد فیزیک آقای علی وکیلی با شما هستیم. وی دارای ۱۹ سال سن می‌باشد پدرش فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی و مادر او دندانپزشک است. آقای وکیلی مدال برنز سی و دومین المپیاد جهانی فیزیک را به خود اختصاص داد. توافقی که دارد مانع از آن می‌شود همه گفتنیهای زندگی علمی، عقیدتی‌اش را برای ما بازگو کند. از نقش کلیدی خانواده و دوستان در کسب توفیقاتش به نیکی یاد کرده، همه این موفقیتها را مرهون لطف خدا، توکل به او و استفاده از اراده خدادادی می‌داند.

ابتدا در خصوص نقش دوستان خوب در کسب توفیقات بزرگ از او پرسیدم، گفت: «نوجوانان و جوانان بخش مهمی از زندگی خود را در مدرسه و بیرون خانه با دوستان سپری می‌سازند. اگر عناصر تشکیل دهنده این محیط پیرامونی شخص، عناصری اهل علم، فکر و تلاش باشند انسان را به سویی خواهند کشاند که خود را در متن علم دیده، در آن غوطه‌ور شود. به خصوص این که توصیه‌ام به هم سن و سالان خودم این است که دوستانشان را از بین افراد اهل مطالعه انتخاب کنند تا در تجربه‌ها و معلومات آنها شریک شوند.»

وی یادآور می‌شود: «یکی دیگر از عناصر موفقیت، غنیمت شمردن وقت و استفاده بهینه از لحظه لحظه آن است. همه سرمایه‌های زندگی یک روز به دست می‌آیند، روزی از دست می‌روند و در اثر تلاش می‌توان مجدد آنها را به دست آورد. تنها سرمایه‌ای که برگشت‌ناپذیر است زمان است باید برنامه‌ریزی برای استفاده از آن به نحوی باشد که در آینده که آن را از دست رفته دیدیم احساس پشیمانی نداشته باشیم.»

وی در خصوص نحوه تصمیمش برای حضور در صحنه المپیاد و مراحل نیل به آن به خبرنگار ما گفت: «از اول دبیرستان اساتید و والدین مرا به شرکت و حضور در المپیاد تشویق می‌کردند اما از ابتدای سال سوم دبیرستان بود که کار جدی‌ام برای حضور در این عرصه را آغاز کرده در آزمون بهمن ماه ۷۸ شرکت کردم. در مرحله اول ۸۰۰ نفر انتخاب شدند. بعد ۴۰ نفر گزینش شده طی دوره‌ای ۳ ماهه به آموختن پرداختیم. از بین آنها نیز ۷ نفر انتخاب شدند و پس از یک دوره آموزش ۸ ماهه اعضای تیم ۵ نفره تیم المپیاد فیزیک برگزیده شدند که من هم جزو آنها بودم.»

* گفتگو با علی وکیلی، عضو تیم ملی المپیاد فیزیک از علامه حلی تهران (سمپاد)؛ رسالت، ۴ مرداد ۱۳۸۰

دارنده مدال برنز المپیاد جهانی فیزیک با همه موفقیتی که کسب کرده می‌گوید کار بزرگی را انجام نداده است.

می‌پرسیم فکر می‌کنید کار بزرگ چیست که باید انجامش دهید؟ می‌گوید: «دوست دارم در جمعی از محققان فیزیک قرار بگیریم تا سهمی در راه‌اندازی چنین جمعی داشته باشم آن وقت مسلط‌تر از اکنون به اوضاع فیزیک در ایران و جهان، گذشته و آینده پرداخته به رفع نارسایی‌های موجود پردازم.»

از علی وکیلی درخصوص نحوه و میزان ارتباطش با جهان علم به خصوص در عرصه فیزیک پرسیدم گفت: «امروز عمده ارتباطات از طریق رسانه‌ها، به خصوص اینترنت صورت می‌گیرد. اما مشکلی که وجود دارد عدم تأمین کارتهای اعتباری برای استفاده از مقالات علمی روز جهان است. برداشت مقالات روز دنیا که در اینترنت منتشر می‌شود فقط با پرداخت پول از طریق کارت اعتباری ممکن است که متأسفانه این کارتها را ما در اختیار نداریم. لذا مهمترین خواسته‌ام از مسوولین، تسهیل امکان استفاده از این کارتها است.»

وی در خصوص رشته مورد علاقه‌اش برای ادامه تحصیل به رشته برق و فیزیک اشاره کرده می‌گوید هر دو آنها را همزمان ادامه خواهد داد.

وکیلی درخصوص نحوه سپری ساختن اوقات فراغت خود گفت: «عمده اوقات فراغتم را به مطالعه کتب غیردرسی و عمدتاً در زمینه‌های عقیدتی شامل کتب استاد مطهری، شجاعی، شریعتی و کتب تاریخی می‌پردازم. ضمن این که مطالعه قرآن کریم نیز به صورت جدی در دستور کارم قرار داشته ماههای مبارک رمضان برنامه ختم قرآن دارم. تاکنون ۶ - ۵ بار ختم قرآن کرده‌ام.»

از عضو تیم المپیاد فیزیک کشورمان درخصوص نواقص موجود در تدریس و تحصیل درس فیزیک در دبیرستانهای کشورمان پرسیدم، گفت: «مطالبی که در کتب فیزیک ارایه می‌شود هماهنگ با دستاوردهای روز این علم نیست. مثلاً در کل کتاب فیزیک یک، فقط ۴ - ۳ فرمول یاد داده می‌شود. فرمولهایی که عمده آنها در درس علوم دوره راهنمایی نیز تدریس شده است. ضمن این که مبنای دروس فیزیک امروز ما باید روی ریاضی باشد چون زبان فیزیک، ریاضی است اما به این مهم توجه لازم صورت نمی‌گیرد.»

از علی وکیلی درخصوص معضل فرار مغزها از کشور پرسیدم و این که اگر دانشگاه صنعتی در خارج از کشور او را دعوت به تحصیل یا کار نماید آیا او خواهد رفت؟ پاسخ داد: «برای تحصیل علم روز، لازم است که همه سختیها را به جان خرید. لذا به هر کجا که مطلب

جدیدی برای یادگرفتن وجود داشته باشد خواهم رفت اما هیچ جا به جز ایران را برای انجام کار انتخاب نخواهم کرد. من عاشق کشورم هستم. با سرمایه و منابع این کشور به اینجا رسیده‌ام و زکات این سرمایه بزرگ را نیز در این می‌بینیم که آموخته‌هایم را در خدمت به میهن و هموطنانم قرار دهم.» وی با ابراز تأسف از فرار مغزهای نخبگان کشور، از مسوولان خواست تا برای رفع مشکلات آنها بکوشند و بروکراسی سر راه پیشرفت تحصیلی و شغلی آنها را کاهش دهند.

لذت از علم خدمت به جامعه *

خانم شادی رجبی در سال ۱۳۶۳ در شهر تهران متولد شد او یکی از دانش‌آموزان موفق است و صاحب عناوین مختلفی چون کسب رتبه برتر در مسابقات علمی و المپیادهای استانی، کسب رتبه اول کشور در المپیاد آزمایشی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان، کسب رتبه اول در المپیاد شیمی بسیج دانش‌آموزی است او توانست در المپیاد شیمی جهانی ۲۰۰۱ بمبئی هندوستان مقام اول و مدال طلا را کسب کند، با هم مصاحبه‌اش را می‌خوانیم:

○ تصور شما از آینده چیست؟

● دوست دارم در آینده کارهای تحقیقاتی زیادی انجام بدهم و همیشه با علم سر و کار داشته باشم، دوست ندارم وارد بازار کار شوم چون به نظر من این طور بهتر می‌شود از علم لذت برد و به جامعه خدمت کرد.

○ بهترین چیزی که دوست داری؟

● شنیدن مسائل علمی جدید.

○ دانشمند مورد علاقه شما در شیمی کیست؟

● واندروالس؛ چون با اینکه خیلی فقیر بود ولی با امکانات کمی که داشت توانست تحقیقات زیادی را انجام بدهد و به پیشرفت علم کمک شایانی کند.

○ چه رشته‌ای را در دانشگاه انتخاب خواهی کرد؟

* گفتگو با خانم شادی رجبی، برنده مدال طلای المپیاد بین‌المللی شیمی از فرزندان همدان (سمپاد)؛ کیهان، ۶

● هنوز مطمئن نیستم، یا رشته‌ای از رشته‌های مهندسی و یا شیمی محض، بیشتر به شیمی محض علاقه‌مندم چون بعد از این همه اطلاعاتی که در المپیاد شیمی کسب کردم طبیعتاً انسان بیشتر راغب می‌شود در این رشته تحصیل کند.

○ مسابقات به چه صورت بود و شما چه امتیازی را کسب کردی؟

● مسابقات در دو رشته عملی ۴/۵ ساعت و تئوری ۵ ساعت برگزار شد که از مجموع ۱۰۰ امتیاز توانستم بیش از ۹۰ امتیاز را بدست آورم و در بین دانش‌آموزان دختر کشورهای شرکت‌کننده اول و در بین کل دانش‌آموزان چهارم بشوم.

○ سطح مسابقات را چگونه ارزیابی کردی؟

● سطح المپیاد جهانی شیمی سال ۲۰۰۱ هندوستان بالا بود و کشورهای چین، روسیه، آمریکا، استرالیا، هند و کره جنوبی از رقبای اصلی جمهوری اسلامی ایران بودند.

○ چه توصیه‌ای به جوانان علاقمند به المپیاد دارید؟

● توصیه می‌کنم اگر واقعاً علاقه دارند این کار را دنبال کنند چراکه علاقه موجب می‌شود اگر هم شکست بخورند ناراحت نشوند راهیابی به المپیاد راه آسانی نیست چون در ایران رقبای زیادی وجود دارد و تعداد نفرات اعزامی به مسابقات المپیاد جهانی کم هستند بنابراین کسانی که علاقه وافری به راه‌یابی به المپیاد را دارند باید با جدیت تلاش کنند، امیدوارم مسئولان نیز با ایجاد امکانات و روش‌های نوین استعدادها را کشف و پرورش دهند و من امیدوارم دانش‌آموزان کشورمان هر ساله در المپیادها موفق باشند و در آخر برای همه جوانان آرزوی موفقیت می‌کنم.

نتایج المپیادها نشان داد، ایرانیان در علمی که بزرگانشان در آن پیشتاز بوده‌اند هنوز سرآمد هستند*

تلاش علمی مجموعه نمایندگان کشورمان در عرصه المپیادهای پنج‌گانه ریاضی، فیزیک، زیست‌شناسی، شیمی و کامپیوتر شایسته تقدیر است؛ عزیزانی که به وسع خود کوشیدند نام و

* گفتگو با سپهر فدایی برنده مدال طلای المپیاد بین‌المللی شیمی از علامه حلی تهران (سمپاد)؛ رسالت، ۸ مرداد

جایگاه ایران در عرصه جهان علم را بلند داشته، پرچم ایران عزیز را به اهتزاز درآورند. در این میان نتایج به دست آمده غالباً متفاوت اما نزدیک به هم است. بچه‌های ریاضی هفدهم شدند، بچه‌های فیزیک پنجم، بچه‌های زیست‌شناسی هفتم و بچه‌های گروه شیمی رتبه دوم جهانی را به دست آوردند. همچنان که ملاحظه می‌شود اعضای تیم شیمی کشورمان در این عرصه، تلاش مضاعف را به انجام رسانده، توانستند به عنوان قائم مقام اول شیمی دنیا در عرصه المپیاد این رشته، سرفرازانه قد علم کنند.

سپهر فدائی عضو تیم چهار نفره المپیاد شیمی است که توانست مدال طلای این دوره المپیاد این رشته را به خود اختصاص دهد وی در محیطی کاملاً علمی و فرهنگی تربیت یافته است. پدرش فوق‌لیسانس عمران دارد و مادرش پزشک است. پرسشهایمان را از همین نقطه آغاز کرده درخصوص نقش و جایگاه خانواده در موفقیت‌هایش پرسیدیم، او گفت:

«این که انتظار داشته باشیم پدر و مادرمان حتماً هم رشته ما باشند تا بتوانند در راهی که می‌رویم کمکمان نمایند انتظار نابجایی است. آن چیزی که از والدین باید انتظار داشت همراه بودن آنها در این زمینه با نوجوانان و جوانان خویش است. پدر و مادر من در این زمینه فوق‌العاده تلاش کرده به لحاظ جوی که به وجود آوردند باعث شدند تا من همیشه خود را غرق در دریای علم احساس کرده فقط به افق پیش رویم بیندیشم.»

وی از آقای نور علی شاهی یکی از معلمان دوره راهنمایی و از مربیان دوره المپیاد نیز به نیکی یاد کرده می‌گوید: «اگر بخواهم مدالم را به کسی هدیه کنم آن شخص آقای نورعلی شاهی خواهد بود.»

وی درخصوص جایگاه ایران در رشته شیمی در سطح جهان گفت: «البته قضاوت کردن در این خصوص به لحاظ صرف نتایج المپیاد قضاوت جامعی نیست اما همین نتایج گویای بسیاری از واقعیت‌هاست از جمله این که ایرانیان در علمی که بزرگان و اسلافشان در آن پیشتاز بوده‌اند همچنان سرآمد هستند.» وی تأکید کرد: «در بین ۵۴ کشور و ۲۱۰ دانش‌آموز از سراسر جهان رتبه دوم شیمی را به دست آوردن جای بسی افتخار و شکرگزاری دارد. در حالی که کشورهای قدرتمندی چون روسیه، کره، ترکیه و استرالیا بودند که هر یک در عرصه شیمی قدرتی محسوب می‌شوند. اما دانش‌آموزان کشورمان از این مرزها گذشتند و ثابت کردند که ایران شایسته‌ترین است.»

آقای سپهر فدایی درخصوص وضعیت آموزش دوره المپیاد در باشگاه دانش‌آموزان و ایرادات وارد بر آن به خبرنگار ما گفت: «آموزش‌های ارائه شده متناسب با علم روز و سطح المپیاد

صورت می‌گیرد اما بهتر آن است که به آزمایشگاه اهمیت بیشتری داده شود. متأسفانه می‌بینیم که در مرحله‌گزینش افراد چه در مرحله ۴۰ نفر و چه در مرحله ۶ نفر، نقش نمره آزمایشگاه، آن گونه که باید باشد مؤثر نیست ضمن این که پیشنهاد می‌کنم به عنصر زمان نیز اهمیت بیشتری داده شود. تمرین استفاده از زمان محدود و معین باعث خواهد شد تا اعضای تیم در صحنه المپیاد با مشکل کمبود وقت مواجه نشوند.»

از دارنده مدال طلای المپیاد جهانی شیمی درخصوص احساسش در هنگام آگاهی از کسب این مدال پرسیدیم، گفت: «چون کسب این مدال را حق ایران و مؤثر در راه اعتلای نام آن می‌دانستم به این امر به عنوان یک نکته افتخارآمیز نگاه کرده از صمیم قلب آن را حاصل لطف خدا و دعای مردم دانستم.»

از سپهر فدایی درخصوص نحوه برخورد نمایندگان سایر کشورها با اعضای تیم ایران و برداشتشان از شرایط کشورمان پرسیدیم، وی گفت: «برخوردها تعبیر از آن چیزی بود که قبلاً فکرش را می‌کردم. این برخوردهای واقع بینانه نشان می‌داد که تبلیغات منفی بیگانگان علیه ایران مؤثر واقع نشده بلکه برعکس پیشرفتهای علمی، ورزشی و فرهنگی کشورمان در عرصه جهانی سهمی قابل توجه در واقعی‌تر ساختن نگاه و رفتار آنها نسبت به شرایط کشورمان داشته است.»

در ادامه این گفتگو از معضل فرار مغزها از وی جویا شدیم، گفت: «فرار مغزها دو علت عمده دارد؛ جمعی که در اقلیت هستند به دلایل مادی و برای کسب شرایط بهتر زندگی و معیشت به خارج می‌روند اما جمعی دیگر هستند که به لحاظ امکانات علمی بالایی که در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی خارج از کشور وجود دارد میل به رفتن به آنجا را می‌یابند. من خواسته‌ام از مسوولان این است که با تأمین شرایط و امکانات تحصیل و تحقیق برای محققان و دانشمندان کشورمان مانع از ادامه این روند شوند.»

نظام آموزشی را اصلاح و از هدر رفتن فرصتها و امکانات جلوگیری کنید*

پای صحبت چهره‌ها و انسانهای موفق نشستن همیشه شیرین است چون سخن از

* گفتگو با محمدحسین نبیان از دبیرستان علامه حلی تهران (سمپاد) عضو تیم ملی المپیاد زیست‌شناسی؛ رسالت، ۱۰

تجربه‌هایی به میان می‌آید که حاصل سالها تلاش شبانه‌روزی است. تلاشهایی که به قصد خدمت به دین، میهن و آینده علم و انسانیت صورت گرفته است.

از جمله این چهره‌های موفق، برگزیدگان المپیادهای دانش‌آموزی است که طی آن نوجوانان کشورمان در رشته‌های مختلف رقابت‌های جهانی توانستند برای حفظ جایگاه حقیقی ایران در عرصه علم بکوشند و موفقیت‌های بزرگی را کسب نمایند. در ادامه گفتگوهایمان با اعضای تیمهای مذکور، این بار با آقای محمدحسین نبیان گفتگو داریم. وی ۱۸ سال سن دارد و در دبیرستان علامه‌حلی تهران تحصیلات متوسطه خود را سپری نموده است. محمدحسین نبیان یکی از ۴ عضو تیم المپیاد زیست‌شناسی کشورمان است. پدرش دارای تحصیلات فوق‌لیسانس در رشته معدن است. مادرش لیسانس مامایی دارد و خواهر بزرگش نیز لیسانس معماری گرفته است. با این توضیحات مشخص می‌شود که محمدحسین نبیان در فضا و محیطی کاملاً علمی و مطالعاتی رشد نموده و همین نکته نیز یکی از عوامل زمینه‌ساز برای رسیدن به چنین موفقیتی بوده است. از وی در ابتدای گفتگو درخصوص رشته مورد علاقه‌اش برای ادامه تحصیل در دانشگاه پرسیدیم، گفت «به پزشکی خواهم رفت.» سوال کردم برخی از دوستان شما معتقدند که رشته پزشکی تجاری شده است، نظر شما چیست؟ نبیان گفت: «تجاری شدن رشته پزشکی را قبول دارم. اما معتقدم می‌توان با تنظیم و اعمال راهکارهایی، آلوده بعد تجاری رشته پزشکی نشد و من امیدوارم از این آفت مصون بمانم.»

دارنده مدال برنز المپیاد بین‌المللی زیست‌شناسی در ادامه درخصوص مهمترین آفات علم گفت: «تعصب و غرور دو آفت مهم علم به شمار می‌روند. تعصب باعث می‌شود که شخص به یافته‌های گذشته ثابت مانده و از پذیرش یا حتی بررسی یافته‌های جدید پرهیز نماید. غرور نیز باعث آن خواهد شد که شخص در مرحله‌ای خاص که معمولاً مرحله ابتدایی علم است نیز متوقف شود و به گمان این که هر آنچه را که لازم بوده فراگرفته است از یادگیری و جستجو برای فراگیری علوم جدید باز بماند.»

عضو تیم المپیاد زیست‌شناسی کشورمان در ادامه این گفتگو درخصوص ایرادات وارد بر آموزش‌های ارایه شده به المپیادها در باشگاه دانش‌پژوهان گفت: «مهمترین مشکل و ایراد وارد بر این آموزشها خارج از نیاز بودن بسیاری از این آموزشهاست. اساتیدی که در دوره شش ماهه به المپیادها تدریس می‌کنند از اساتید دانشگاه هستند و معمولاً مطالبی را مطرح می‌کنند که ارتباطی با

نیازهای المپیادها ندارد و متأسفانه علی‌رغم طرح این ایراد بامسئولین امر، برخی از آنها چون انعطاف ندارند این ایراد را قبول نکرده می‌خواهند ما سطح مطالعاتمان را بالا ببریم تا امکان درک مطالبی را که آنها می‌گویند پیدا کنیم.»

وی درخصوص ایرادات وارد به تدریس درس زیست‌شناسی در سطح دبیرستانهای کشور نیز گفت: «کتب مکرراً عوض می‌شود. مطالب زیست‌شناسی که ما خواندیم بسیار بسته بود و با علوم روز فاصله بسیار داشت ضمن این که معلمان این درس نیز برای تدریس مطالب آن تسلط کافی ندارند و همین امر باعث شده و می‌شود تا انتقال مطالب مشکل صورت گیرد.»

از وی درخصوص برنامه آینده‌اش پرسیدم، گفت: «می‌خواهم درخصوص چیزهای ناشناخته تحقیق و مطالعه کنم. یکی از آن ناشناخته‌ها در بخش سلولهاست. هنوز خیلی مسایل درخصوص سلولها مشخص نشده و من مصممم که در این راستا فعالیتهایی را آغاز کنم.»

از محمد حسین بنیان پرسیدم آیا فضای موجود سیاسی، اجتماعی جامعه ما به سود توسعه و رشد علمی کشور است؟ گفت: «خودم اطلاعات دقیقی در این خصوص ندارم اما از بزرگان و با تجربه‌ها شنیدم که جوابشان به این سوال «نه» است متأسفانه همه چیز در ایران سیاسی شده حتی المپیاد. وقتی در رفتارها خیلی از کشورهای اروپایی نگاه می‌کنیم می‌بینیم بسیاری از آنها می‌آیند و بدون مدال و مقام هم بر می‌گردند و نتیجه اصلاً برایشان مطرح نیست. اما در کشور ما چنین روندی جا نیفتاده لذا کسب نتیجه عالی مهمترین انتظار مردم و مسئولین از المپیادهاست که این نگاه باید اصلاح شود.»

عضو تیم المپیاد زیست‌شناسی کشورمان در ادامه با انتقاد از نظام و سیستم آموزشی کشور گفت: «نظام آموزشی فعلی ما بدون برنامه است. در بسیاری از کشورهای اروپایی چون بنیه علمی و دبیرستانی دانش‌آموزان قوی است اصلاً برای منتخبین خود که برای شرکت در المپیادها انتخاب شده‌اند کلاسها و آموزشهای ویژه‌ای که امروز در کشور ما و در باشگاه دانش‌پژوهان جاری است دایر نمی‌کنند. اما در کشور ما چون آموزشها در مدارس ضعیف است کلاسهای ۶ و ۹ ماهه برای المپیادها برقرار می‌شود. لذا خواسته‌ام از مسئولین این است که فکری به حال نظام آموزشی نمایند و از هدر رفتن فرصتها و امکانات جلوگیری کنند.»

از وی درخصوص بزرگترین آرزوی خود به عنوان یک جوان دانش‌پژوه پرسیدم، گفت: «بزرگترین آرزوی من دعای بزرگان است که فرموده‌اند دعا کنید که آدم بشوید. آدم شدن یعنی رسیدن به قرب خدا. رسیدن به خصایص انسانی آنگونه که خدا از او می‌خواهد. آدم شدن یعنی

انتخاب راه درست برای رسیدن به مطلوبیات اخروی و دنیایی، چنین آدم شدنی بزرگترین آرزوی من است.»

وی ضمن توصیه نوجوانان و جوانان کشورمان به پژوهش و مطالعه یادآور شد: «امروز رسالت جوانان کشورمان، رساندن ایران به جایگاه شایسته‌خویش در عرصه علم است و هیچ‌کس نباید خود را در این راه و راستا فردی فاقد مسوولیت پندارد.»

گفتگو با علی اصغر محمدی دارنده مدال نقره سی و سومین المپیاد شیمی جهان فرمول زندگی: ایمان + علم + عمل*

در سی و سومین المپیاد جهانی شیمی در شهر بمبئی هندوستان و در میان ۵۴ کشور شرکت کننده، چهار دانش آموز ایرانی توانستند پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را بعنوان مقام دوم این دوره به اهتزاز درآورند.

تیم ایران در این دوره مرکب از دو دختر از استان همدان و دو پسر از شهر تهران بود که یک دختر و یک پسر مدال طلا و یک پسر و یک دختر دیگر مدال نقره این دوره را از آن خود نمودند. دو پسر شرکت کننده در این المپیاد یکی دانش آموز دبیرستان نمونه دولتی امام حسین (ع) آموزش و پرورش منطقه ۱۸ تهران است. یک هفته بعد از کسب این افتخار و در حضور مدیر، معاونان، مشاوران و دبیران زحمتکش دبیرستان که بقول خودش این موفقیت را مدیون زحمات صادقانه آنهاست با علی اصغر محمدی متولد ۱۳۶۱ دانش آموز مقطع پیش دانشگاهی به گفتگو نشستیم. با هم پای صحبتش می‌نشینیم.

چه مدالی به دست آوردید؟ نقره

شغل و تحصیلات پدر: کارگر / سواد ابتدایی

شغل و تحصیلات مادر: خانه‌دار / بیسواد

همه خواهران و برادران؟ ۵ برادر و یک خواهر

فرزند چندم خانواده؟ فرزند پنجم

محلله‌ای که در آن سکونت دارید؟ شهرک ولیعصر (عج)
دبستان محل تحصیل؟ دبستان شهید محمدباقر صدر
نام اولین معلم؟ خانم آمره
اولین روز ورود به مدرسه؟ خیلی عادی
آخرین روز خداحافظی از مدرسه؟ کمی خوشحال بخاطر ارتقاء به یک پله بالاتر و کمی
اندوهگین بخاطر دوری از معلمان و دوستان
اولین بار که به سینما رفتید؟ دو سال پیش فیلم دختران انتظار
اولین بار که جایزه گرفتید؟ کلاس اول ابتدایی / بعنوان شاگرد دوم
آخرین جایزه قبل از المپیاد؟ جایزه مقام اول رشته ریاضی / فیزیک در مسابقات مدارس
نمونه دولتی استان تهران
اولین بار که به استعداد خود در زمینه شیمی پی بردید؟ حدود دو سال پیش بعد از آنکه برادر
بزرگترم در این زمینه مرا تشویق به مطالعه بیشتر کرد.
شیمی‌دانهایی که می‌شناسید؟ مندلیف / لاوازیه / محمدبن ذکریای رازی / جابرین حیان
دوست داشتید جای کدامیک از آنها بودید؟ جابرین حیان
چرا؟ زیرا توفیق شاگردی امام صادق (ع) را داشت و از سرچشمه لایزال علم آن امام
معصوم بهره‌مند بود.
زیرمجموعه‌های علم شیمی؟ شیمی تجزیه / آلی / معدنی / فیزیک
به کدام‌گرایش بیشتر علاقه‌مندید؟ شیمی فیزیک
فرمول زندگی؟ ایمان + علم + عمل
اولین عنصر جدول مندلیف؟ هیدروژن
آخرین عنصر جدول مندلیف؟ عنصر ۱۱۴ که تازه کشف گردیده نیمه عمر، در حد چند ثانیه
که هنوز وارد جدول نشده است.
مهمترین عنصر زندگی؟ تلاش و پشتکار
اولین بار که به شما گفتند راهی المپیاد می‌شوید؟ در منزل بودم که از باشگاه دانش‌پژوهان جوان
با من تماس گرفتند. باورم نمی‌شد ولی خیلی خیلی خوشحال شدم.
اولین واکنش خانواده به این موضوع؟ البته همان لحظه، هیچکدام از اعضای خانواده جز برادر

کوچکترم در خانه نبودند. ولی وقتی شنیدند واقعاً خوشحال شدند.
اولین روز حضور در المپیاد؟ خوشحال و در عین حال مضطرب و ناامید
سطح مسابقات؟ در حد متوسط
حال شما وقت اعلام نتیجه؟ فکر نمی‌کردم مدال بگیرم بخاطر آنکه اینجا در ایران امتحان
آزمایشگاه را بد داده بودم.
اولین بار که از ته دل خندیدید؟ هنگام دریافت مدال نقره در بمبئی هندوستان، البته از ته دل
نخندیدم، بلکه از ته دل خوشحال شدم.
آخرین بار که گریستید؟ شب امتحان تئوری المپیاد، یک مقدار گریه کردم، چون روز قبل
موقع امتحان آزمایشگاه بیمار بودم و امتحان عملی را نتوانستم خوب بدهم و می‌ترسیدم که
امتحان تئوری را هم خراب کنم.
این موفقیت را مدیون چه کسانی هستید؟ لطف خدا / تلاش خودم / تشویق، تلاش و زحمت
پدر و مادر، معلمان، مشاوران و کادر دبیرستان محل تحصیلم. مخصوصاً دبیر شیمی مان آقای
میرزایی.
رشته تحصیل در دانشگاه؟ شاید شیمی
درخواست شما از مسئولین؟ به مدارس، مخصوصاً مدارس مناطق محروم بیشتر توجه کنند و
امکانات بیشتری به مدارس نمونه مناطق جنوب شهر، مثل دبیرستان محل تحصیلم، اختصاص
بدهند.
و نظر شما درباره صفحه مدرسه؟ از مسئولین محترم روزنامه کیهان بخاطر دایر نمودن این
صفحه تشکر می‌کنم. این صفحه بهترین وسیله برای گفتگو و ارتباط با جوانان است.

اگر از تجارب گذشته بهره ببریم، مطمئناً قله‌های پیروزی از آن ما خواهد بود *

با یقین به تواناییها، استعداد و هوش جوانان کشور عزیزمان ایران، دور نمی‌بینیم آن روز

* گفتگو با شهاب ابطحی عضو تیم ملی المپیاد زیست‌شناسی از دبیرستان علامه حلی تهران (سمپاد)؛ رسالت ۱۵

را که جهان، ایران را نه دیگر به خاطر نفت و خزرش بلکه به نام جوانان دانشمند، متعهد و محققش بشناسد. آن روز را که صادرات فکر و اندیشه و تولید خلاقیت جای صادرات نفت را بگیرد و سرافرازانه و سربلند در جهان، خودی نشان دهیم و بازوان پر تلاش، اندیشه‌های پویا و اراده‌های بلند جوانانمان افتخار کنیم.

نشانه‌های این سرافرازی، از مدت‌هاست که نمایان شده و هر ساله حضور قدرتمند عزیزان دانش‌آموز و دانشجو در صحنه المپیادهای علمی گواه نزدیک بودن این افق نورانی و افتخارآمیز است.

در ادامه معرفی چهره‌های شاخص جوانان هوشمند و دانشمند کشورمان به شما عزیزان، این بار در گفتگویی با آقای شهاب ابطی عضو تیم ملی المپیاد زیست‌شناسی، از وی خواستیم تا از امید و امیدواری به آینده علمی ایران برایمان بگوید. وی ۱۸ سال سن دارد و اکنون در آستانه ورود به دانشگاه است. اما هنوز در انتخاب بین دو رشته پزشکی و بیوتکنولوژی مردد است. خودش می‌گوید انگیزه و علاقه‌ام برای ادامه تحصیل در رشته بیوتکنولوژی بیشتر است. وقتی از انگیزه اندکش نسبت به رشته پزشکی می‌پرسم و اینکه چرا علی‌رغم آنکه شرایط و آمادگی‌اش را دارد و در شرایطی که غالب جوانان نام این رشته را به زبان دارند برای رفتن به رشته پزشکی علاقه‌اش به اندازه علاقه به رشته بیوتکنولوژی نیست می‌گوید: «بیوتکنولوژی یک رشته جدید در ایران است و میدان عمل برای تحقیق و پژوهش و پیشرفت در آن بالا است. من به جایزه نوبل می‌اندیشم و امیدوارم روزی بتوانم در همین رشته به این جایزه جهانی دست یابم.» وی از تجاری شدن برخی رشته‌های دانشگاهی ابراز گلایه کرده می‌گوید: «آفت علم بازیچه قرار گرفتن آن در عرصه سیاست یا تجارت است. می‌توانم بگویم برخی رشته‌ها از جمله پزشکی دچار این آفت شده و هستند افرادی که این رشته را نه بر اساس علاقه و استعداد بلکه برای آینده مالی و معیشتی‌اش انتخاب می‌کنند. همین جو باعث شده که علاقه‌ام به پزشکی کاهش یابد و چون بیوتکنولوژی هنوز دچار این آفت نشده لذا مصمم هستم که در این رشته وارد شوم.»

شهاب ابطی در یک خانواده فرهنگی و تحصیل کرده تربیت یافته است پدرش مهندسی برق و فوق لیسانس مدیریت دارد و مادرش لیسانس کامپیوتر می‌باشد. وی نقش این علمی بودن فضای خانه و خانواده را در کسب توفیقاتش بسیار بالا می‌داند و می‌گوید: «علت العلیل هر توفیقی اراده و لطف خداست و من معتقدم اراده خدا بر آن تحقق یافته است که جوانان این کشور

اسلامی، نام این قطعه مقدس از جهان را با تلاشهای علمی خود پر آواز سازند. کمک خانواده و اراده خود شخص نیز در این راستا مهم است به شرطی که این دو علت اخیر نیز به نام و یاد خدا و برای خدا صورت گیرد».

شهاب ابطحی در کنار مطالعات تخصصی خود به مطالعات مذهبی، داستان و نیز ورزش پینگ پنگ علاقه‌مند است. در سال اول راهنمایی در رشته مفاهیم قرآن کریم تا سطح منطقه راه یافته بود و در نمایشگاه علامه حلی تهران که در ایام دهه مبارک فجر برگزار می‌شود به همراه ۲ نفر دیگر از دوستانش با ارایه طرح خود در زمینه تصویر سازی جایزه اول را بدست آورد.

وی در توصیه‌ای خطاب به کسانی که می‌خواهند برای حضور در صحنه المپیاد آماده شوند می‌گوید: «در کنار مطالعه برای المپیاد نباید از مطالعه درسی غافل شوند. المپیاد یک ریسک است چون ممکن است شخصی به خاطر انتخاب شدن برای المپیاد از درس خود باز بماند و در نهایت از هر دوی آنها عقب بیفتد. لذا بهترین راه برای عدم غافلگیری، مطالعه متوازن دروس دبیرستانی و انجام مطالعات تکمیلی و تخصصی است که این کار هم آنها را برای المپیاد آماده‌تر می‌سازد و هم در موفقیتشان در صحنه امتحانات عادی موثر خواهد بود».

عضو تیم المپیاد زیست‌شناسی در ادامه گفتگو در خصوص نقاط ضعف تدریس زیست‌شناسی در دبیرستانهای کشور به خبرنگار ما گفت: «تدریس زیست‌شناسی در دبیرستانها هنوز جنبه کلاسیک دارد. مطالب کتابها به روز هست اما چون معلمانی که آنها را تدریس می‌کنند روشهای قدیمی به کار می‌برند نمی‌توانند آنها را به زبان روز تدریس کنند لذا است که هدف تدوین کنندگان کتابها نیز برآورده نمی‌شود».

وی در پاسخ به این پرسش که چه باید کرد تا در صحنه المپیادهای علمی جهانی نتایج بهتری دریافت نمود به خبرنگار ما گفت: «سطح علمی کشورهای دیگر نیز به اندازه ما است اما آنها از تمرین بالایی برخوردارند ضمن اینکه از تجارب گذشته نیز بهتر استفاده می‌کنند. همچنین اساتیدی که تدریس المپیادها را بر عهده دارند اساتید دانشگاه هستند و بسیاری از مطالبی را که می‌گویند به کار المپیاد نمی‌خورد لذا بهتر آن است که از تجارب گذشته بهره ببریم و از تکرار خطاهای گذشته بپرهیزیم در صورت وقوع چنین حالتی مطمئناً استعداد ایرانیان در جهان جای خود را خواهد یافت و قله‌های پیروزی را از آن ما خواهد نمود».

به فکر جوانان شهرستانی باشید*

○ فکر کنم بد نباشد تاگفت وگویمان را بامدارس شروع کنیم. یعنی وضعیت دبیرستان خود شما (که قاعدتاً باید دبیرستان فرزندانگان بوده باشد) و همینطور وضعیت سایر مدارس شهر همدان؟

فلاح: همانگونه که گفتید ما جزو شاگردان دبیرستان فرزندانگان همدان بودیم. این دبیرستان نسبت به سایر دبیرستانهای شهر، از امکانات کمک آموزشی و آموزشی بهتری برخوردار است. اما وقتی که به تهران آمدیم و دبیرستان فرزندانگان تهران را دیدیم، تازه متوجه شدیم که دبیرستان ما در مقابل دبیرستان فرزندانگان تهران اصلاً امکاناتی ندارد. به علاوه، اینجا بچه‌ها با هم بسیار صمیمی تر هستند. جو حاکم بر بچه‌ها، یک جو علمی است.

○ نظر شما چیست خانم رجبی؟

● رجبی: من دو سال در مدارس فرزندانگان تهران درس خوانده‌ام و بعد به دلیل انتقال محل سکونت به همدان، بقیه تحصیلم را در آن دبیرستان طی کردم. اگر بخواهم این دو فضای آموزشی را با هم مقایسه کنم، در یک کلام باید بگویم: فاصله‌ها، وحشتناک بود. یعنی اصلاً هم قابل مقایسه نبودند.

○ مسلماً تحصیل در چنین شرایطی، برای شما که امکانات دبیرستان فرزندانگان تهران را دیده‌بودید، نباید چندان ساده بوده باشد!

● رجبی: بله. دقیقاً. اوایل داشتم دیوانه می‌شدم. حس می‌کردم اینجا هیچ جای پیشرفتی ندارد. اصلاً نمی‌توانستم خودم را راضی کند. [لبخند تلخی می‌زند و ادامه می‌دهد]: اما به هر حال من هم یک انسان هستم. انسان هم خودش را با شرایط جدیدش وفق می‌دهد. تحت هر شرایطی.

○ آیا این کمبودها، تأثیری بر روی تحصیل شما داشته و یادارد؟

● فلاح: برای «المپیاد» خیر، تأثیری نداشته. چون المپیاد یک چیز فردی است که بستگی به تلاش شخص و مطالعات فردی اوست. اما در مورد کنکور و زمانی که بحث رقابت بین یک و

* حمیدرضا خالدی در گفتگو با شادی رجبی و مونا فلاح تفتی دانش‌آموزان مرکز فرزندانگان همدان (سمپاد) و

نیم میلیون دانش آموزی است که هر کدام سعی کرده‌اند با انواع و اقسام ترفندهای کنکوری، خود را تجهیز کنند، این کیفیت پایین، معلمها و کتب کمک آموزشی، بسیار مؤثر است.

○ وضعیت سایر دبیرستانهای شهر همدان چگونه است؟

● رجبی: ما زیاد با بچه‌هایی این دبیرستانها ارتباط نداشتیم. آنچه شنیده‌ایم مربوط می‌شود به بچه‌های اقوام یا دوستانمان که در این دبیرستانها تحصیل می‌کنند. آنها هم از وضعیت مدارس خود چندان راضی نیستند. در کل شاید بتوان بطور خلاصه سؤال شما را اینگونه پاسخ داد: سطح کیفی آموزش در مدارس همدان متوسط به پایین است.

● فلاح: اصلاً فکر کنم نیازی به مقایسه نباشد. آمار و ارقام خود بهترین گواه است. شما تعداد قبولیهای شهر همدان و رتبه آنها را در کنکور مشاهده کنید و آن را با دانش آموزان سایر شهرها مقایسه کنید. خود به خود همه چیز دستگیرتان می‌شود!

○ چرا دانش آموزان همدانی علاقه چندانی به درس خواندن ندارند؟

● فلاح: عوامل زیادی در این بین دخیل هستند. این علاقه به درس، از مقاطع دبستان و راهنمایی پایه‌ریزی می‌شود. وقتی برنامه‌ریزی و توجه کافی و وافی برای این بچه‌ها صورت نگیرد، وقتی بچه‌های همدانی تقریباً با وسائل کمک آموزشی بیگانه باشند، چگونه انتظار دارید، علاقمند به درس خواندن باشند؟

● رجبی: اما این به این معنا نیست که جوانان همدانی کم استعدادند. برعکس، به عقیده من همدان استعداد‌های بالقوه فراوانی دارد، اما ...!

○ زمانی که به تهران آمدید نخستین چیزی که توجه شما را به خود جلب کرد چه بود؟

● رجبی: مغازه‌داران و فروشنده‌هایش.

○ چگونه؟

● رجبی: آخر، در همدان فروشنده‌ها، اصلاً حاضر نیستند، توضیحات اضافی بدهند، یا با آنها چانه زد یا برای پیدا کردن جنسی از آنها کمک گرفت. اما اینجا این فروشنده‌ها هستند که مشتری را ول نمی‌کنند! این نکته نخستین چیزی بود که توجه من را به خود جلب کرد.

○ و شما خانم فلاح!

● نخستین چیزی که توجه من را به خود جلب کرد، بزرگی تهران بود و فرهنگ مردم پایتخت و در نهایت امکانات بسیار وسیع اینجا.

○ از امکانات بالای آموزشی و تحصیلی در تهران گفتید. با این حساب حتماً می‌خواهید در یکی از دانشگاه‌های تهران ادامه تحصیل دهید.

● هر دو می‌گویند: صد در صد. فلاح پاسخ خود را اینگونه تکمیل می‌کند: در تهران فضا برای پیشرفت، برای تحقیق و کار فراهم و مهیاست.

○ اما شما فرزندان «همدان» هستید. سالها از امکانات این شهرستان استفاده کرده‌اید تا اینکه به اینجا رسیده‌اید. از حق سایر همدانیها. فکر نمی‌کنید اگر قرار باشد تمام استعدادهای این شهر به تهران بیایند دیگر باز نگردند، در واقع به نوعی، در حق همشهریان و موطن خود خیانت کرده باشید؟

● فلاح: من تصور می‌کنم در درجه اول باید به فکر آینده خودم باشم. مگر من قرار است چندبار متولد شوم و زندگی کنم؟

رجبی: کاری که انجام آن در همدان چند سال طول می‌کشد، در تهران در عرض چند هفته انجام می‌پذیرد.

○ اما دانشجویان تهرانی بر این اعتقادند که برخلاف تبلیغاتی که انجام می‌شود دانشگاه‌های تهران اصلاً امکان تحقیق و پژوهش را به آنها نمی‌دهد!

● فلاح: فکر می‌کنم اگر آنها امکانات سایر شهرها را می‌دیدند اینقدر شکایت نمی‌کردند! به عقیده من، در تهران، اگر کسی «بخواهد» حتماً «می‌تواند». هر چند ممکن است این راه کمی پیچ و خم داشته باشد.

○ یعنی شما اصلاً به شهر خودتان فکر نمی‌کنید؟

● فلاح: من بیش از آنکه به پیشرفت شهرم فکر کنم به پیشرفت و توسعه کشورم می‌اندیشم.

○ اصلاً در طول یکسالی که برای آموزش در تهران بودید، هیچ وقت دلتان برای همدان تنگ نشده بود؟

● فلاح: فقط در تابستان است که دلم برای هوای خنک و فضای سرسبز همدان تنگ

می‌شود.

○ پس با این حساب ممکن است. روزی خیلی راحت از مملکت خودنیز دلبریید و به خارج بروید؟

● فلاح: نمی‌دانم. [لحظه‌یی مکث می‌کند] هر چند هنوز به خانواده‌ام وابسته‌ام و طبیعتاً

دوست دارم هر چند وقت یکبار به ملاقاتشان بروم.

○ از سفر گفتید و مسابقات المپیاد. وضعیت آموزشی و تحصیلی در هند را چگونه دیدید؟

● رجیبی: امکاناتشان قابل قبول بود. هرچند یک مقدار از لحاظ امکانات آزمایشگاهی کمبود داشتند.

فلاح: به عقیده من ممکن است «وجهه» هند از نقطه نظر علمی بهتر از ما باشد، اما وضعیت فرهنگی و علمی ایران به مراتب بهتر از هند است.

رجیبی: حداقل، امکاناتشان از دانشگاه شریف ما، بهتر نبود. دلگرم شدیم. اهر دو می‌زنند
زیر خنده]

○ وضعیت شهر همدان را از ابعاد مختلف چگونه توصیف می‌کنید؟

رجیبی: همدان شهری است با فرهنگی کهن اما محدود. خصوصاً برای جوانان و البته امکانات بسیار ناچیز.

○ منظورتان از محدودیت چیست؟

فلاح: خانواده‌های همدانی تعصبات خاصی نسبت به فرزندان‌شان دارند. هنوز معتقدند که دختر باید در خانه بماند و از روابط اجتماعی با دیگران پرهیزد.

رجیبی: من دوستی دارم که مادرش حتی نمی‌گذارد به جشن تولد دوستش برود!

فلاح: کل شهر همدان دو سینما بیشتر ندارد. اگر شما شهربازی این شهر را ببینید، خنده‌تان می‌گیرد؟ از امکانات ورزشی که دیگر نرسید! پس من به عنوان یک دختر همدانی چه باید بکنم؟

○ گویا یکی، دو نشست صمیمانه باوزیر علوم ووزیر آموزش وپرورش داشته‌اید. آیا این مسائل را برای آنها هم بازگو کرده‌اید؟

● رجیبی: نه خیر. یعنی نشد. در آنجا از هر تیمی یک نفر بلند می‌شد و مشکلات تیم را عنوان می‌کرد. کسی از شهر و دیارش صحبت نمی‌کرد. نمی‌دانم، شاید اصلاً اهمیتی برای کسی نداشته است.

○ در مورد باشگاه دانش پژوهان جوان چطور! از آنجا راضی هستید؟

● رجیبی: بله. در محیط باشگاه احساس راحتی می‌کنم. احساس می‌کنم مدرسه واقعی من آنجاست.

فلاح: به نظر من باشگاه دانش پژوهان جوان تنها مکانی است که در آن همه چیز براساس «نظم» و «برنامه‌ریزی» پیش می‌رود.

○ و کلام آخر...!

● **فلاح:** می خواستم از طرف خودم و شادی از مسؤولان دبیرستان خود در همدان، تشکر کنم. بخصوص از مدیر زحمتکشمان که واقعاً برای بهبود وضعیت دبیرستان و حل مشکلات بچه‌ها تلاش فراوان داشتند.

رجبی: من به عنوان آخرین کلام فقط می خواهم یک جمله خطاب به مسؤولان بگویم: بیشتر به فکر جوانان شهرستانی باشید. نه در «حرف» که در «عمل»!

موفقیت = برنامه‌ریزی + تلاش - اضطراب *

کلاسهای رنگارنگ کنکور همه ساله همه تبلیغات خود را به کار می‌گیرند تا بتوانند بخشی از جامعه دانش آموزی کشور و علاقه‌مندان و راهیان دانشگاه و کنکور را جذب خود نمایند. کلاسهایی که اذعان بسیاری از راه‌یافتگان به دانشگاه فاقد تأثیر مهم و اساسی در راه‌یابی به این محیط علمی است. نمونه چنین دیدگاهی را «اشکان برنا» دارنده رتبه دوم کنکور سراسری سال جاری در گروه آزمایش علوم ریاضی و فنی دارد وی با رد تأثیر مهم و اساسی کلاسهای کنکور در موفقیت دانش آموزی می‌گوید: «تکیه اصلی و عمده خود را بر روی کتابهای درسی و نیز کتب کمک آموزشی که جنبه تکمیلی کتب درسی داشته باشد بگذارد.»

«اشکان برنا» دارای ۱۸ سال سن می‌باشد و با معدل ۱۹/۵۸ در مقطع متوسطه، در سال جاری به دانشگاه راه یافته است. پدرش مهندسی برق دارد و مادرش دکتری پزشکی و برادرش دانشجوی رشته برق می‌باشد. خود او نیز رشته برق دانشگاه صنعتی شریف را برای ادامه تحصیل خود انتخاب نموده است.

وی در آغاز گفتگو با خبرنگار ما به ابراز انتقاد و گلایه از مؤسساتی پرداخت که با سوء استفاده از فرصت، نام وی را در اطلاعیه‌های خود ثبت نموده‌اند وی می‌گوید: «من در هیچ کلاس کنکوری شرکت نکردم فقط در آزمونهای علمی یکی از این کانونها حضور داشتم اما الان که نگاه می‌کنم می‌بینم مؤسسات مختلفی نام مرا در اطلاعیه‌های خود نوشته و از آن به عنوان نمونه‌ای از

* گفتگو با «اشکان برنا» نفر دوم کنکور سراسری، گروه ریاضی فیزیک؛ رسالت، ۲۳ مرداد ۱۳۸۰ / شماره ۴۵۰۵

موفقیت برنامه‌های آموزشی یاد کرده‌اند. جالب‌ترین که من در اوایل آمادگی‌ام برای شرکت در کنکور فقط به مدت ۲ جلسه در کلاسهای کنکور یکی از مؤسسات شرکت کرده، چون سطح آن را نازل و غیرمفید تشخیص دادم دیگر از حضور و شرکت در آن پرهیز نمودم. اما الان می‌بینم همان موسسه، از همان حضور ۲ جلسه‌ای استفاده نموده اس‌م را در اطلاعیه‌های خود آورده است.»

از وی درخصوص برنامه‌های آینده‌اش می‌پرسم و این‌که می‌خواهد در رشته برق چه کار جدیدی را به جامعه علمی کشور ارایه دهد. می‌گوید: «می‌خواهم آی.سی.سی جدید بسازم. کاربرد این ابزار در علم کامپیوتر است و من در ادامه تحقیقات و مطالعاتم به دنبال آن هستم که هماهنگ با پیشرفت این علم با ساخت آی.سی.سی جدید خدمتی شایسته به آن بکنم.»

وی سطح سوالات آزمون ریاضی سال جاری را بسیار ساده یاد کرده می‌گوید: «پایین بودن سطح سوالات بسیاری از کسانی را که خود را برای امتحانی سخت آماده کرده بودند غافلگیر کرد و در واقع به ضرر کسانی تمام شد که زیاد و عمیق کار کرده بودند». از وی می‌پرسم وقتی به عنوان یک جوان، هم سن و سالهای خودتان را می‌بینید که بعضاً به اعتیاد آلوده شده یا در خیابانها و پارکها سرگردانند چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ می‌گوید: «از دیدن این صحنه‌ها ناراحت می‌شوم و از دولت انتظار دارم تا ضمن برچیدن زمینه‌های رواج این مصادیق بیهودگی در جامعه، زمینه‌های کار، تحصیل و فعالیت سالم و مورد علاقه جوانان را فراهم کنم. بعضاً هستند جوانانی که زمینه‌ای و استعدادهایی برای تحصیل ندارند. از سوی دیگر زمینه کار سالم هم برایشان فراهم نیست ناچار به این‌گونه کارهای خلاف بیهوده روی می‌آورند که هم به خود ضرر می‌رسانند و هم به جامعه». از وی درخصوص تأثیر فضای علمی خانواده بر موفقیتش پرسیدم؟ گفت: «عمده عامل موفقیت هر فرد اراده و پشتکار خود اوست و اگر پدر و مادرم در این سطح از سواد و تحصیلات هم نبودند من یقین دارم که باز هم موفقیت حاضر را کسب می‌کردم.»

وی از کمبود امکانات به عنوان علت عمده عقب افتادگی علمی کشور ما یاد می‌کند و آن را دلیل اول مهاجرت مغزها به خارج می‌شمارد. وی در این باره اظهار می‌دارد: «نمونه کسی که به خاطر کمبود امکانات مجبور به خروج از کشور می‌شود دارنده رتبه اول آزمون ریاضی سال ۱۳۷۶ است. وی در حال حاضر لیسانس خود را اخذ کرده است و چون در دانشگاهی خارجی پذیرفته شده و کمبود امکانات در کشور را نیز ملاحظه می‌کند مجبور شده است تصمیم به مهاجرت بگیرد.»

وی خاطر نشان می‌کند مهمترین خواسته‌ام از رییس جمهور تامین نیازهای علمی و تحقیقاتی دانشجویان، محققین و دانش‌پژوهان است تا بدین وسیله مانع از خروج اصلی‌ترین سرمایه‌ها از کشور شوید.»

از وی می‌پرسیم چه تصویری از دانشگاه دارید؟ می‌گوید: «به نظرم دانشگاه جایی است که در آن اساتید خوب درس نمی‌دهند و دانشجویان خوب درس نمی‌خوانند و خسته‌اند و خلاصه محیطی است که علمی نیست و انسان خودش باید بر تلاش خویش اتکاء نماید.» از اشکان برنامه می‌خواهیم فرمول موفقیت خود را در یک قالب ریاضی برای ما توضیح دهید می‌گوید:

برنامه‌ریزی + تلاش - اضطراب = موفقیت

وی در پایان مجدداً خطاب به دانش‌آموزان می‌گوید: «فریب کلاسهای کنکور را نخورید. اصل مطالعه خودتان است. خود را برای سطحی بالاتر از کنکور آماده کنید تا به راحتی از عهده پرسشهای کنکور برآیید.»

من در درس‌های ریاضی و فیزیک خدا را می‌بینم*

«ندا ناطق» رتبه اول گروه آزمایشی ریاضی و فنی کنکور سراسری دانشگاهها در سال جاری است. وی در سال ۱۳۶۲ در ساری متولد شد. او پس از اتمام دوره تحصیلی ابتدایی، وارد مدرسه راهنمایی فرزنانگان این شهر شد.

«ندا ناطق» دوران تحصیلی راهنمایی و متوسطه و پیش‌دانشگاهی را در مدرسه فرزنانگان ساری سپری کرد و دیپلم خود را در رشته ریاضی و فیزیک با معدل ۱۹/۹۵ اخذ نمود. صفحه مدرسه به منظور استفاده از تجارب تحصیلی «ندا ناطق» گفت و گویی با وی انجام داده است که در زیر آن را می‌خوانید:

○ قبل از هر چیز بفرمایید چگونه باخبر شدید که رتبه اول کنکور شده‌اید و وقتی باخبر شدید، چه

* نصراله دادار، در گفتگو با ندا ناطق نفر اول کنکور سراسری در گروه ریاضی و فنی از مرکز فرزنانگان ساری

احساسی به شما دست داد؟

● آقای دکتر پورکاظمی معاون سازمان سنجش آموزش کشور با تلفن به من خبر داد، ولی من در آن لحظه باورم نشد. چون رتبه خاصی مورد نظر نداشتم و فقط می‌خواستم که وارد یک دانشگاه خوب بشوم و حداکثر حدس می‌زدم که جزء ۳۰ نفر اول کنکور در گروه ریاضی فیزیک بشوم. بنابراین کسب مقام اول کنکور هنوز هم برایم ناباورانه است و احساس می‌کنم که این رتبه را خدا به من داده است.

○ در طول دوران تحصیلات، با چه روشی درس می‌خواندید؟

● من یک روشی در تمام طول دوران تحصیل داشتم که این روش در موفقیت تحصیلی من خیلی مؤثر بود. روش من، مطالعه کتابهای درسی به صورت مفهومی بود. من کتابها را فقط یک بار می‌خواندم، اما سعی می‌کردم که در همان یکبار، مطالب کتاب را خوب بفهمم. به همین دلیل محتوای کتابهای درسی در ذهن من باقی می‌ماند. من در دوره پیش‌دانشگاهی، مطالب کتابهای درسی سال‌های قبل را خیلی خوب به یاد داشتم و برای کنکور نتوانستم خیلی از کتابها را دوره کنم. حتی تست هم زیاد کار نکردم و فقط روی بخشی از تستهای سازمان سنجش کار کردم.

○ در شبانه‌روز چند ساعت درس می‌خواندید؟

● روزهایی که به مدرسه می‌رفتم، ساعت ۷ صبح تا ۲ بعدازظهر در مدرسه بودم و وقتی که به خانه بر می‌گشتم از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۱۰ شب درس می‌خواندم و روزهایی که به مدرسه نمی‌رفتم از ساعت ۸ تا ۱۲ ظهر و از ساعت ۴ بعدازظهر تا ۱۰ شب درس می‌خواندم. من در هر ساعت درسی را می‌خواندم که در آن ساعت دوست داشتم، حتی برخی اوقات، مثلاً شب امتحان فیزیک، درس ریاضی می‌خواندم. زمانی که خسته بودم، درس نمی‌خواندم. چون در آن زمان درس خواندن برای من فایده‌ای نداشت.

من هیچ وقت بعد از ساعت ۱۰ شب درس نخواندم، زیرا بعد از ساعت ۱۰ شب، بازدهی مناسبی نداشتم. برای مثال اگر یک درسی را در ساعت ۴ بعدازظهر ظرف نیم ساعت می‌خواندم و می‌فهمیدم، بعد از ساعت ۱۰ شب، دو ساعت طول می‌کشید تا همان درس را خوب بخوانم و بفهمم.

○ چه عواملی را در موفقیت تحصیلی خود مؤثر می‌دانید؟

● بعد از لطف خدا و زحمتهای و راهنمایی‌های پدر و مادرم، علاقه، پشتکار و برنامه‌ریزی خودم را اصلی‌ترین عامل موفقیت خودم می‌دانم.

من در تمام مدت ۱۲ سالی که به مدرسه رفتم، خوب درس خواندم. به همین دلیل، در سالهای آخر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی هیچ مشکلی و هیچ ترسی از کنکور نداشتم و کنکور را هم مانند یک امتحان معمولی می‌دانستم. من از بچگی، مسئولیت‌پذیری را خیلی خوب از پدر و مادرم یاد گرفته بودم و وقتی که آنها در خانه نبودند، کارهای خانه را خیلی خوب انجام می‌دادم و خواهر کوچکم را نگهداری و به او کمک می‌کردم.

○ پدر و مادر شما، هر دو شاغل هستند؟

● بله، پدرم کارمند بانک و مادرم کارمند بیمارستان است. من از آنها خیلی تشکر می‌کنم، چون آنها واقعاً جو و محیط مناسبی برای من در خانه فراهم کرده بودند و رتبه خودم را تقدیم آنها می‌کنم.

○ اشاره کردید که علاقه نقش مهمی در موفقیت تحصیلی شما داشت، لطفاً در این زمینه بیشتر توضیح

دهید.

● من علاقه زیادی به درسهای ریاضی و فیزیک دارم، چون در این درسها خدا را می‌بینم و به خدا عشق می‌ورزم و اولین هدف من هم از ادامه تحصیل خداشناسی است. به همین دلیل کتاب و معلم که در راه خداشناسی مرا کمک می‌کنند، برایم خیلی مقدس هستند.

○ اولین رشته انتخابی شما در فرم انتخاب رشته چیست؟

● من در ابتدا می‌خواستم رشته ریاضی را انتخاب کنم ولی چون همیشه به دو درس ریاضی و فیزیک علاقه داشتم، اولین رشته‌ام را مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف زدم، زیرا در این رشته دروس فیزیک و ریاضی در حد خوبی تدریس می‌شود.

○ خداشناسی چه نقشی در زندگی شما دارد؟

● به نظر من، خدا آن قدر بزرگ است که انسان نمی‌تواند به کل عظمت خدا پی ببرد و اگر بتواند به بخشی از عظمت خدا پی ببرد می‌داند که خودش موجود خیلی کوچکی است و این خداست که به او کمک می‌کند. خداوند از کودکی تا کنون در همه زمینه‌ها مرا کمک کرده است و همان طور که گفتم او مرا رتبه اول کرد. خدا همیشه به من آرامش می‌دهد. من در جلسه کنکور هیچ اضطرابی نداشتم و شب کنکور فقط نماز و دعا خواندم.

○ چه پیامی برای دانش آموزان دارید؟

● اولین پیام من این است، که دنبال خدا باشند و هر چه می خواهند، فقط از خدا بخواهند و مطمئن باشند که خداوند انسان را کمک می کند. نکته دیگر این است که دانش آموزان استعدادهای خود را شناسایی کنند و بر این اساس برای خود یک هدف عالی تعیین کنند و درس خواندن را تنها برای کسب مدرک و شغل نخواهند، بلکه به درس خواندن عشق بورزند و هنگام مطالعه سعی کنند که مطالب را خوب بفهمند و درسها را به طور عمیق بخوانند. نکته بعد این که از کار گروهی غافل نشوند و با بچه های قابل اعتماد دوست شوند و کارهای خود را با همکاری به پیش ببرند و تا آنجا که می توانند در یک رشته ای به کمال برسند.

پیام بعدی من این است که دانش آموزان از مشکلات زندگی نترسند و با مشکلات مبارزه کنند و هیچ وقت زحمات پدر و مادر خود را فراموش نکنند.

○ وقتی که از درس خواندن خسته می شدید، چاهی کردید؟

● گاهی اوقات استراحت می کردم و گاهی هم با خط و نقاشی و موسیقی خودم را سرگرم می کردم.

المپیاد نباید هدف اصلی دانش آموزان باشد *

● برای شروع بحث اگر موافق باشید این سؤال را مطرح کنیم که چه موانعی برای ادامه تحصیل شما وجود دارد؟

○ «حمید فروغی»: خوشبختانه در شورای عالی انقلاب فرهنگی، این مسأله به تصویب رسید که دانش آموزانی که مدال طلای کشوری المپیادها را کسب می کنند از کنکور معاف

* پریسا عظیمی در گفتگو با لایلا زنجانی برنده مدال نقره المپیاد جهانی زیست شناسی فرزندان تهران (سمپاد)، شهاب ابطحی برنده مدال برنز زیست شناسی المپیاد جهانی (علامه حلی تهران)، حمید فروغی و سید محمدحسین موسوی برندگان مدال برنز المپیاد ریاضی از شهید صدوقی یزد و علامه حلی تهران (هر دو از سمپاد) - ایران، ۲۴ مرداد ۱۳۸۰

هستند و این امتیاز خوبی به حساب می‌آید اما ادامه تحصیل ما در خارج از کشور با موانعی همچون خدمت سربازی روبرو است. در سالهای گذشته افرادی که مدال جهانی می‌گرفتند از خدمت معاف بودند* که اگر این طرح امسال هم تمدید شود شامل حال ما خواهد شد در غیر این صورت با مانع بزرگی روبرو هستیم. البته این امتیاز برای کسانی که به تیم اصلی راه پیدا می‌کنند و مدال می‌آورند حل شده است اما برای کسانی که مدال طلای داخلی گرفته‌اند و وارد تیم اصلی نشده‌اند یک سری مشکلاتی را به وجود خواهد آورد.

○ «لیلازنجانی»: اگر در انتخاب رشته محدودیت نداشته باشیم برای ادامه تحصیل مانعی نداریم.

○ «محمدحسین موسوی»: در مورد ادامه تحصیل باید عرض کنم که خوشبختانه غول کنکور برای ما برطرف شده، اما مشکل بزرگتری که برای ما وجود دارد، آینده شغلی رشته‌های ماست. من چون از ابتدا ریاضی خواندم مسلماً دوست دارم در این رشته هم ادامه تحصیل دهم اما وقتی نگاه می‌کنم رشته ریاضی در ایران و باقی رشته‌های علوم پایه تقریباً آینده مشخصی ندارند و تنها شغل موجود برای این رشته‌ها کارهای تحقیقی است که از نظر مادی هیچ تأمین و تضمینی هم وجود نخواهد داشت بنابراین ناچار هستیم بین دو مسأله یکی را انتخاب کنیم یعنی برای داشتن یک زندگی آرام از علائقم چشم‌پوشی کنم که مسلماً باید در کنار آن کارهای تحقیقی هم انجام دهم در صورتی که در قبال آن، چیز کمتری عایدم خواهد شد.

● در کارهای تحقیقاتی، با چه موانعی و مشکلاتی روبرو هستید؟

○ موسوی: براساس صحبتی که با بچه‌های مشغول به تحصیل در رشته‌های تحقیقی کردیم، همه آنها این نظر را داشتند که تحصیل در کارهای تحقیقاتی فقط براساس اسم آن صورت می‌گیرد یعنی تنها اسمش تحقیق کردن است چون به دلیل کمبود امکانات دستگاهها و وسایل در دانشگاهها، اساتید مجبور هستند در هر ترم تنها به جزوات مختصر اکتفا کنند حتی ممکن است کتابی را هم معرفی نکنند و به پایان ترم که می‌رسیم دانشجویان با خواندن جزوات، نمراتی را می‌گیرند و به ترم بالاتر راه پیدا می‌کنند و ترم بعد هم به همین صورت.

○ ابطی: یکی از مشکلاتی که ما در باشگاه با آن مواجه بودیم کمبود وسایل

* معافیت برندگان مدالهای جهانی المپیادها پابرجاست (م.ا.د)

آزمایشگاهی بود با توجه به اینکه رشته ما زیست‌شناسی بود حتی در تابستان کلاسهای عملی و آزمایشگاهی بطور مداوم تشکیل نمی‌شد و تنها در دوره‌های چهار نفره بود که با تأکید و اصرار خودمان چند جلسه‌ی بطور محدود کلاس تشکیل دادند. بطور کلی کار عملی زیست‌شناسی برای ما تعریف نشده است از طرفی دیگر در زمینه تئوری هم خیلی قوی نبودیم چون اساتیدی که برای تدریس ما معرفی شده بودند از اساتید دانشگاهها بودند و اسادهایی که سالها در المپیادها حضور داشتند استفاده نشد تا بتوانند سؤالات جهانی در المپیادها را به ما منتقل کنند به همین دلیل ما نمی‌توانستیم در زمینه تئوری هم پیشرفتی داشته باشیم.

○ زنجانی: در مورد کارهای تحقیقی در دانشگاه هیچگونه پیش‌بینی را نمی‌توان کرد زیرا طبق گفته بچه‌هایی که در حال حاضر در زمینه کارهای تحقیقی مشغول به تحصیل هستند در دانشگاهها وسایل آزمایشگاهی بسیار محدود است و آنچه الان در آزمایشگاه دانشگاهها وجود دارد به خاطر تلاش و هزینه‌ی است که خود دانشجویان برای جمع‌آوری آن متحمل شده‌اند.

○ فروغی: یکی دیگر از مشکلات ما خوابگاهی بود که در آن مشغول به زندگی بودیم. حدود ۷ ماهی که در خوابگاه اقامت داشتیم فضای مناسبی برای مطالعه در اختیار نداشتیم حتی میز برای مطالعه و نور کافی در اتاقها وجود نداشت. البته باشگاه هزینه زیادی را متقبل شده بود اما از هزینه بطور مناسب استفاده نشده بود.

● چه انتظاری از مسؤولان دارید؟

○ فروغی: از مسؤولان تقاضا دارم در شهرستانها هم کتابخانه تأسیس کنند تا بچه‌های شهرستانی هم بتوانند از کتابهای غیردرسی و درسی استفاده کنند. چون خودم بچه یزد هستم برای فراهم کردن کتابهایم برای شرکت در المپیاد مجبور بودم به تهران یا اصفهان بیایم. تقاضای دوم این است که مدیریت سازمانهای آموزشی اصلاح شود تا بچه‌های شهرستانها هم بتوانند از مسائلی مثل المپیاد زودتر مطلع شوند چون فکر می‌کنم اگر مدیریت در یک سازمان مناسب باشد نحوه اطلاع‌رساندن آن سازمان هم خوب خواهد بود.

○ زنجانی: مسأله‌ی که مسؤولان باید به آن توجه ویژه داشته باشند، مسأله کیفیت درسهاست یعنی باید با توجه به مطالب درسا و آزمونی که قرار است برگزار شود اساتید را انتخاب کنند تا بتوانند مطالبی را که هر سال در المپیادها مطرح می‌شود به دانش‌آموزان منتقل

کند. نکته قابل ذکر این است که ما در دوره ۴ نفره، خودمان درس خواندیم و تقریباً چیرهایی که می‌دانستیم از اطلاعات و تلاشهای خودمان بود نه تدریس اساتید.

○ **ابطحی:** به نظر من سیستم المپیاد، سیستم خوبی نیست چون با همین سیستم دوره‌های آموزشی یکساله هم می‌توان نتیجه گرفت اما منوط به این است که پایه‌های کمیته هر رشته را با معیار سنجیده‌ی انتخاب و برگزار کنند مثلاً اساتید با تجربه‌تری بیاورند، برنامه‌ریزی حساب شده‌تری داشته باشند و کلاً کلاسها را طوری برگزار کنند که اساتید هم به تدریس مطالب تئوری برسند و هم مطالب عملی.

○ **موسوی:** المپیاد هدف مهمی نیست که حال بخواهیم بگوییم انتظارات ما از مسؤولان چیست. چون به نظر من المپیاد تنها بهانه‌ی بی‌استی است که تقریباً سه سال وقت بچه‌ها را روی یک مسأله با ارزش مثل مطالعه و تحقیق متمرکز می‌کند. اما حالا که این کار در حال انجام شدن است بهتر است که مسؤولان آن را بطور مطلوب‌تر اجرا کنند به عنوان مثال در المپیاد ریاضی کار برنامه‌ریزی شده جدیدی اجرا نشود و دقیقاً مثل سالهای گذشته به صورت روتین انجام شد و تا به حال نشده که هر سال برنامه جدیدتری نسبت به گذشته داشته باشند.

انتظار دیگر من این است که مسؤولان در کشوری که قرار است المپیاد برگزار شود خوابگاهها را طوری انتخاب کنند تا بچه‌های کشورهای مختلف بتوانند با یکدیگر در زمینه‌های گوناگون علمی و عملی ارتباط برقرار کنند.

● **چه توصیه‌ی برای بچه‌هایی دارید که قصد دارند در این المپیادها شرکت کنند؟**

○ **زنجانی:** توصیه کردن فایده‌ی ندارد چون تا زمانی که غول کنکور مقابل بچه‌هاست می‌توان یکی از دلایل مشارکت آنها در المپیاد را شرکت نکردن در کنکور ذکر و این مسأله (کنکور) متأسفانه فقط در ایران وجود دارد که امیدوارم مسؤولان نسبت به نحوه برگزاری این مسأله سریعتر اقدام کنند.

○ **ابطحی:** المپیاد نباید هرگز هدف اصلی قرار گیرد چون اصلاً چیز خاصی نیست بنابراین توصیه من به بچه‌ها این است که برای رسیدن به هدف اصلی خود درس بخوانند نه برای رسیدن به مدال طلا.

○ **موسوی:** توصیه من این است که بچه‌ها اگر می‌خواهند واقعاً به مرحله المپیاد راه پیدا کنند باید حتماً دو یا سه سال وقتشان را صرف خواندن مطالب درسی و غیردرسی جهت کسب اطلاعات بیشتر کنند و تنها رسیدن به المپیاد و شرکت در آن هدف نباشد چون اول باید هدف

را پیدا کرد و شناخت و بعد به آن رسید.

● درد یداری که با آقای مظفر روزیر آموزش و پرورش داشتید، اکثر بچه‌ها مسأله کمبود تجربه اساتید را مطرح کردند، آیا واقعاً این مسأله شما را دچار مشکل کرده بود؟

○ موسوی: این مسأله، مشکل بچه‌های شیمی بود چون همه اساتید آنها افرادی مسن بودند عکس آن شامل حال بچه‌های ریاضی بود که همه اساتید افرادی جوان بودند و در واقع همان مطالب سالهای گذشته را که خودشان در المپیاد شرکت کرده بودند به ما منتقل کردند بنابراین اساتید را باید طوری انتخاب کنند که هم تجربه و هم حوصله کافی برای تدریس را داشته باشند.

○ فروغی: در المپیاد ریاضی همیشه با دو موضوع مواجه هستیم: اول درس، دوم حل مسأله. به نظر من بهتر است که برای حل مسائل اساتید جوان را برای تدریس انتخاب کنند و برای درس از اساتید با تجربه و مسن‌تر استفاده کنند و مسأله دیگر شکل سؤالها بود که نسبت به سال گذشته فرق کرده بود چون سؤالها بیشتر محاسباتی بود این مسأله باعث شد که تیم مجارستان که همیشه اول تا سوم می‌شد امسال رتبه ۲۵ را کسب کند یا رومانی که همیشه مقام اول تا پنجم را کسب می‌کرد امسال ۱۴ شد. به نظر من مسؤولان برای سال آینده اگر نظر بچه‌ها را در مورد چگونگی بهتر برگزار شدن المپیاد جو یا شوند حتماً مشکلات کمتر خواهد شد.

● به نظر شما، المپیاد چه معایبی دارد؟

○ موسوی: یکی از معایب المپیاد این است که از بچه‌هایی که در المپیاد قبول می‌شوند به عنوان استاد برای بچه‌های سال بعد استفاده می‌کنند و این در صورتی است که استادان اطلاعات کامل ندارند مثلاً خود ما معلم بچه‌های سال بعد هستیم بدون اینکه اطلاعات جدیدی نسبت به مسائل جدیدتر داشته باشیم.

● شما به رشته‌های علوم پایه اشاره کردید که اصلاً توجهی به آنها نمی‌شود! به نظر شما چه باید کرد که جایگاه این رشته مشخص شود؟

○ ابطی: مشکل اصلی در کشور ما این است که چرا رتبه‌های اول کنکور دنبال رشته‌های پزشکی یا مهندسی می‌روند و چرا به علوم پایه توجهی نمی‌شود؟ من فکر می‌کنم این مشکل از انتخاب رشته بچه‌ها شروع می‌شود چون برای همه اینطور جا افتاده که فقط مهندس یا پزشکی بخوانند. بمن خودم دوست دارم علوم پایه بخوانم اما نه استاد خوب برای این رشته هست که در این زمینه اطلاعات داشته باشد و نه آینده خوبی دارد. بنابراین به نظر من بچه‌هایی

که در این زمینه تحصیل می‌کنند از روی ناچاری به این رشته روی آورده‌اند.
○ موسوی: جایگاه علوم پایه هنوز بین دانشجویان مشخص نشده چون وقتی دانشگاه‌های ما در مورد وسایل تحقیقاتی مشکل دارند چگونه می‌توانند آمادگی جذب دانشجو به علوم پایه را داشته باشند. مشکلی که در ایران وجود دارد این است که بودجه زیادی صرف کارهای تحقیقی نمی‌شود مثلاً بودجه امسال نیم درصد بود و تا آخر برنامه سوم توسعه هم به یک و نیم درصد می‌رسد که تقریباً خیلی ناچیز است.
● از همه شما بخاطر شرکت در این گفت و گو سپاسگزارم.

مدال طلای المپیاد شیمی جهان برگردن نابغه ایرانی*

سپهر فدایی، متولد ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳۶۲ در تهران است. او فرزند دوم خانواده و دانش آموز دوره پیش دانشگاهی دبیرستان نمونه دولتی** «علامه حلی» تهران است که در تیرماه امسال با پشت سر گذاشتن رقاباتی سرسخت و مدعی، موفق شد مدال طلای سی و سومین المپیاد شیمی جهان را از آن خود کند. با هم پای صحبتش می‌نشینیم.
○ همه‌آنهايي که این موفقیت را مديون آنهاييد؟

● پدر و مادرم معلم‌های دوران تحصیل اساتید دوره آمادگی و آقای دکتر بهرنگ نورعلی شاهی (معلم و استاد)
○ مشوق اصلی شما؟
● آقای دکتر نورعلی شاهی
○ اولین بار که فهمیدید برای المپیاد شیمی پذیرفته شده‌اید؟
● در خوابگاه بچه‌های شهرستانی باشگاه دانش‌پژوهان جوان بودم که این خبر به من رسید.

○ اولین بار که جایزه گرفتید؟

● دقیقاً یادم نیست.

* محمد عراقی در گفتگو با سپهر فدایی برنده مدال طلای سی و سومین المپیاد شیمی از علامه حلی تهران (سمپاد)

○ آخرین جایزه قبل از المپیاد؟

● در نمایشگاه کارهای علمی دانش آموزان / مقطع دوم دبیرستان سال ۱۳۷۸

○ معدل کل سال قبل؟

● نوزده و شصت و هفت صدم

○ شیمی دانهایی که می شناسید؟

● مندلیف / گیس / لویی / پائولینگ.

○ دوست داشتید جای کدامیک بودید؟

● دوست داشتم جای گیس بودم.

○ چرا؟

● بخاطر کارهای بزرگش در زمینه شیمی.

○ بالاترین نمره دوران تحصیل؟

● نمره بیست / از درس شیمی

○ پائین ترین نمره؟

● تاریخ / بخاطر حجم زیاد کتاب

○ نام اولین مدرسه؟

● دبستان ۲۲ بهمن

○ نام اولین معلم؟

● خانم راهرو

○ شغل و تحصیلات پدر؟

● مهندس راه و ساختمان / فوق لیسانس عمران

○ شغل و تحصیلات مادر؟

● پزشک / تحصیلات علوم پزشکی

○ همه خواهران و برادران؟

● یک برادر دارم که دو سال از من بزرگتر است.

○ آخرین کتابی که مطالعه کرده اید؟

● هری پاتر

○ همه آنها که دوستان دارید؟

- خدا، پدر و مادر و برادرم
- بزرگترین آرزو؟
- موفقیت همه مردمان سرزمینم ایران، باور کنید از ته دل می‌گویم.
- بزرگترین هدیه؟
- لبخند مادر، بهترین و بزرگترین هدیه است.
- بزرگترین ترس؟
- بیش از همه چیز از خشم خدا می‌ترسم.
- بزرگترین دلمشغولی؟
- مطالعه
- شاعرانی که می‌شناسید؟
- حافظ، مولوی، سعدی
- شاعر مورد علاقه؟
- لسان الغیب حافظ شیرازی
- رنگ مورد علاقه؟
- زرد
- ورزش مورد علاقه؟
- فوتبال
- بهترین فصل؟
- بهار
- بهترین روز هفته؟
- پنج‌شنبه
- بهترین زمان برای مطالعه؟
- صبح‌ها
- حرفی به عنوان یادگاری؟
- هیچ موفقیتی به دست نمی‌آید مگر با تلاش و پشتکار
- یک بیت شعر که بخاطر دارید؟
- «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد»

کمبود امکانات دلیل اول مهاجرت مغزها است*

المپیادهای دانشجویی از جمله صحنه‌های رقابت‌های علمی است که طی آن جوانان نخبه کشورمان در دانشگاه‌ها به مسابقه‌ای علمی با یکدیگر پرداخته توانایی خود در رشته‌های مورد تحصیل شان را مورد سنجش قرار می‌دهند. سالهای زیادی نیست که از عمر المپیادهای دانشجویی در کشورمان می‌گذرد. امسال برای ششمین سال بود که این رقابت علمی برگزار گردید و همزمان با کنکور کارشناسی ارشد در ۹ رشته، دانشجویان به مسابقه‌ای علمی با یکدیگر پرداختند و چندی پیش اسامی برگزیدگان مرحله اول این دوره از المپیاد اعلام شد. فرصتی حاصل شد تا طی گفتگوهایی باتنی چند از این نخبگان دانشجویی از وضعیت موجود پژوهش و تحقیق در محیط‌های دانشگاهی بپرسیم و اینکه تا رسیدن به نقطه شایسته خویش چه اقداماتی را باید به انجام رسانیم.

خانم بهاره حاجی خانی دانشجوی برگزیده‌ای بود که در این باره با وی به گفتگو پرداختیم. وی در رشته میکرو بیولوژی فارغ‌التحصیل شده و در سال جاری توفیق آن را به دست آورده تا رتبه اول نخستین مرحله از المپیاد زیست‌شناسی را از آن خود نماید. وی در ابتدای گفتگو درخصوص جایگاه رقابت علمی در میان فعالیتهای مختلف دانشجویی گفت: «این جایگاه آن گونه که باید باشد و آن‌گونه که از محیط علمی مثل دانشگاه انتظار می‌رود نیست طوری که می‌توان گفت این بخش از وظایف دانشگاهها معطل و زمین مانده است که به حرکت در آوردن آن نیازمند یک عزم جدی در همه بخشهای نظام است.» وی با انتقاد از بی‌برنامگی موجود در عرصه برگزاری المپیادهای دانشجویی می‌گوید: «به نظرم برگزاری یک آزمون علمی ساده آن هم در متن آزمون کارشناسی ارشد حرکت قوی و جدی برای رونق بخشیدن به فعالیتهای علمی دانشجویی نمی‌تواند به حساب آید و این فعالیت علمی بدون اینکه مشخص گردد هدفش چه بوده و به چه نتایجی دست یافته است پایان می‌پذیرد تا سال بعد».

از خانم حاجی خانی درخصوص راهها و راهکارهای تشویق دانشجویان به انجام فعالیتهای

* رسالت در گفتگو با بهار حاجی‌خانی نفر اول مرحله نخست المپیاد دانشجویی رشته زیست‌شناسی، ۳۰ مرداد

تحقیقاتی پرسیدم گفت: «مهمترین مشکل محققین جوان، نبود یا کمبود امکانات است که باعث شده تا استعدادها همچنان در مرحله بالقوه باقی بمانند و مجالی برای بروز و فعلیت نیابند. تأمین امکانات و ایجاد انگیزه از طریق میدان دادن به فعالیتهای علمی دانشجویی از جمله راهکارهایی است که باید اجرا گردد تا جانی تازه به حرکت علمی، تحقیقاتی دانشجویان داده شود» دارنده رتبه اول نخستین مرحله از ششمین المپیاد علمی دانشجویی در رشته زیست‌شناسی در ادامه این گفتگو در پاسخ به پرسش خبرنگار ما درخصوص تحلیل وی از دلایل فرار مغزها از کشور گفت: «دلیل اول این مهاجرت مغزها نبود امکانات و زمینه‌های تحقیقات پایداری و هدفمند در کشور و دانشگاهها است و دلیل دوم آن ضعف آموزشی دانشگاهها می‌باشد. وی همچنین گفت: «متأسفانه دانشجویان در کشور زمینه‌ای برای فعالیت علمی و تحقیقاتی نمی‌بینند و این امر طبیعی است که چنانچه محیط دیگری را آماده، خواستار و مشتاق به فعالیت علمی یابند به آنجا بروند که جلوگیری از رشد و ادامه این روند نیازمند تدبیر مسوولین امر است تا دلسوزانه مانع فرار اصلی‌ترین سرمایه کشور گردند.»

از بهاره حاجی خانی درخصوص ارتباط دانشگاه بخصوص دانشجویان نخبه با صنعت و مراکز پژوهش و کاربردی پرسیدیم گفت: «این ارتباط در حد صفر است و می‌توانم بگویم که ما بعد از برگزاری المپیاد رها شده‌ایم. من حتی برای کارورزی هم با مشکل مواجه بودم و کسی و دستگاهی نبود که کمک کند. در حالی که هدف اصلی من از ورود به این رشته و ادامه تحصیل در آن خدمت به کشورم بوده و هست اما زمینه‌ای برای این خدمت نمی‌بینم.»

از وی می‌پرسم به نظر شما مسوولین امر چگونه باید توجه خود را به شما و اهدافی که در پی آن وارد تحصیل و دانشگاه شده‌اید نشان دهند. می‌گوید: «خواسته‌ام این است که المپیادهای دانشجویی را در حد شناسایی نخبه‌ها ادامه ندهند. بلکه مهمتر از شناسایی نخبه‌ها، ایجاد زمینه‌هایی است که آنان در آن رشد یابند. خواسته‌ام این است که برای این قشر برنامه کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشند و دانشجویان برگزیده را بعد از پایان المپیاد به حال خویش رها نسازند بلکه آنان را تحت کمکهای علمی، امکاناتی خود گرفته ثابت کنند که به معنای واقعی دلسوز به حال پیشرفت علمی دانشگاهها و در نهایت کشور هستند.»

بهاره حاجی خانی با انتقاد از نحوه برگزاری آزمون المپیاد دانشجویی می‌گوید: «آزمون المپیاد چون در متن آزمون کارشناسی ارشد برگزار می‌شود هیچ نقطه قوی و برجسته‌ای نسبت به آزمون کارشناسی ارشد ندارد در حالی که به نظرم باید المپیاد را جدا از کنکور کارشناسی ارشد برگزار کرد تا

هم جایگاه شایسته المپیاد معلوم گردد و هم دانشجویان با آمادگی، انگیزه و هدف قبلی و جهت‌دار در آن شرکت کنند. ضمن آنکه در همین مرحله ابتدایی نیز متوقف نشوند و برای به کارگیری هدایت و پرورش استعدادهایی که شناسایی کرده‌اند نیز برنامه‌ریزی کنند.

وی خاطر نشان می‌کند «ایجاد و آماده‌سازی زمینه‌های کار و آموزش» دو خواسته ما از مسوولین امر است تا دیگرانی که در انتظار این المپیاد به سر می‌برند با دیدن دلسوزی مسوولین، با انگیزه مضاعف در این عرصه حضور یابند».

یک بار، اما با کیفیت بخوانید*

فاطمه منتظری رتبه اول گروه آزمایشی هنر در کنکور سراسری امسال دانشگاهها می‌باشد. وی در سال ۱۳۶۲ در تهران متولد شد و در سال جاری مدرک خود را در رشته ریاضی فیزیک با رتبه خوب از مرکز پیش‌دانشگاهی فرزنانگان تهران اخذ کرد. صفحه مدرسه با ایشان گفت‌وگویی انجام داده است که توجه شما را در زیر به آن جلب می‌کنیم:

■ وقتی که باخبر شدید که رتبه اول آزمون سراسری را در گروه آزمایشی هنر کسب کرده‌اید، چه احساسی داشتید؟

○ در آن لحظه خیلی خوشحال شدم، ولی وقتی خوب فکر کردم فهمیدم که این فقط لطف خدا بود.

■ قبل از اعلام نتایج حدس می‌زدید که چنین رتبه‌ای را کسب کنید؟

○ انتظار رتبه زیر ۲۰ را داشتم ولی فکر نمی‌کردم رتبه اول را کسب کنم.

■ در چه رشته‌ای ادامه تحصیل خواهید داد؟

○ من به رشته طراحی صنعتی علاقه‌مندم و در این رشته ادامه تحصیل می‌دهم.

■ چه طور شد که با دیپلم ریاضی فیزیک، در کنکور، در گروه هنر شرکت کردید؟

○ تا آبان ماه گذشته چنین تصمیمی نداشتم. در آبان ماه پیش خود فکر کردم اگر بخواهم

* نصراله دادار در گفتگو با فاطمه منتظری نفر اول کنکور سراسری در گروه هنر (سمپاد)، کیهان، ۲۴ مرداد ۱۳۸۰ /

در گروه ریاضی و فیزیک در کنکور شرکت کنم، باید خیلی تلاش کنم و امکان این اندازه تلاش برای من نبود. از طرف دیگر به رشته هنر نیز علاقه داشتم، بنابراین به این نتیجه رسیدم که در کنکور هنر شرکت کنم.

■ عوامل اصلی موفقیت تحصیلی خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

○ بعد از لطف خدا، اصلی‌ترین عوامل موفقیت خود را، کوشش تلاش و اعتماد به نفس و آرامش می‌دانم.

■ خانواده چه نقشی در موفقیت شما داشت؟

○ نقش اصلی خانواده این بود که برای من ایجاد آرامش می‌کردند. آنها روش درس خواندن من را قبول داشتند و هیچ وقت از من نمی‌خواستند که روش دیگری داشته باشم. علاوه بر این آنها به من نگفتند که اگر در کنکور قبول نشوی، ناراحت می‌شویم.

■ پدر و مادر شما چه کاری‌کنند؟

○ پدرم در شرکت داروپخش کار می‌کند و مادرم لیسانس جامعه‌شناسی دارد و خانه‌دار است.

■ برای شرکت در آزمون سراسری چقدر از کلاسهای کنکور استفاده کردید؟

○ در گروه هنر، کتابهای کمک درسی اصلاً وجود ندارد، بنابراین تمام تلاش من روی کتابهای درسی بود و تنها در یک درس (فقط درس ترسیم فنی) که آن هم از دروس ریاضی و فیزیک بود از کلاس کنکور استفاده کردم.

■ برای موفقیت در کنکور چند ساعت درس می‌خواندید؟

○ من در اکثر ساعات روز به استثنای ساعات غذا و خواب و استراحت مشغول مطالعه بودم. البته این به معنای این نیست که از برنامه‌های تفریحی خود کم کرده باشم. اتفاقاً من در همین امسال، در تعطیلات نوروزی به مسافرت رفتم و تا آخرین روزهای امتحان هم برنامه‌های تلویزیون را می‌دیدم.

■ اشاره کردید که یک روش خاصی برای درس خواندن خود داشتید، ممکن است در این زمینه بیشتر

توضیح دهید.

○ الان رسم و متداول است که بچه‌ها هر درسی را چندین بار می‌خوانند و به اصطلاح دوره می‌کنند. من این کار را نمی‌کردم. من کمتر درس می‌خواندم ولی سعی می‌کردم آنچه را

که می خواندم بفهمم. درس خواندن باید با تمرکز و با کیفیت همراه باشد. ممکن است در یک زمانی شما یک مطلب را پنج بار هم بخوانید ولی متوجه اصل موضوع نشوید. من خودم در این گونه شرایط ترجیح می دادم که درس نخوانم. زیرا احساس می کردم که در وضعیت خوبی نیستم و در آن شرایط درس خواندن برای من فایده ای ندارد.

■ چه پیامی برای دانش آموزان به خصوص دانش آموزان دوره متوسطه دارید؟

○ نخستین حرف من این است که خودشان روش مطالعه و درس خواندن خود را مشخص کنند و برنامه ریزی درسی خود را به افراد دیگر و بخصوص آموزشگاهها و مؤسسات آموزشی آزاد نسپارند و خود سرنوشت تحصیلی خود را رقم بزنند. نکته دیگر اینکه تلاش کنند که کیفیت (نه کمیت) مطالعه خود را افزایش دهند. به نظر من اگر بچه ها درسها را یک بار با کیفیت بخوانند بهتر از این است که چند بار یک درس را بدون توجه و کیفیت بخوانند.

به دانش آموزان سال دوم و سوم دبیرستان توصیه می کنم که از همین حالا در فکر انتخاب رشته تحصیلی خود در دانشگاه باشند. زیرا در سال آخر و قبل از برگزاری کنکور فرصت کافی وجود ندارد که انسان واقعاً رشته های مورد علاقه خود را انتخاب کنند. در سال آخر حتی ممکن است که انسان تحت تأثیر جو قرار گیرد و رشته ای را انتخاب کند که مورد علاقه خود نیست و صرفاً براساس جو و شرایط اجتماعی انتخاب کرده است. آنها باید واقع گرا باشند و بدانند که وقتی انسان رشته ای را انتخاب کرده که به آن علاقه ندارد یا اینکه توان ادامه تحصیل در آن را ندارد، در آینده با مشکل جدی روبرو خواهد شد.

■ به نظر شما اعتقادات و باورهای دینی چه نقشی در موفقیت انسان دارد؟

○ به نظر من باورهای دینی نقش عمده و بسیار مهمی در زندگی انسان دارد و به طور کلی این اعتقادات انسان است که مسیر زندگی فرد را تعیین می کند. نکته دیگر این است که باورهای دینی به انسان اعتقاد به نفس و آرامش خیلی خوبی می دهد.

من اگر در کنکور هم قبول نمی شدم احساس می کردم که خیری در آن است و این حاصل باورهای دینی من می باشد.



